جهان اسلام

معرف

منطقه‌ای مشتمل‌بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در افریقای شمالی تا شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق افریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب‌شرقی آسیا و اروپا و حوزه‌های کوچک مسلمان‌نشین جهان

متن

جهان اسلام ، منطقه ای مشتمل بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در افریقای شمالی تا شبه قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق افریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب شرقی آسیا و اروپا و حوزه های کوچک مسلمان نشین جهان . این مقاله درباره این حوزه فرهنگ و تمدنی است ، و شامل چهار قسمت واژه شناسی ؛ حدود و وسعت از آغاز تا دوره معاصر؛ ویژگیهای طبیعی (چهره طبیعی ، آب و هوا و طبقه بندی اقلیمی و پیامدهای ویژگیهای طبیعی)؛ ویژگیهای انسانی ـ اقتصادی (جمعیت و خصوصیات آن ، نژاد و زبان ، ترکیب مذهبی ، توزیع جمعیت شهری روستایی ، اقتصاد و توسعه انسانی) است.

واژه شناسی . نام گذاری و ناحیه بندی این واحد عظیم ، از آغاز تشکیل نخستین جامعه اسلامی در مدینه و در طول انتشار و گسترش تدریجی اسلام ، با هر نوع محتوای سیاسی حاکم بر این فرآیند، با کاربرد اصطلاحات و ترکیبات همگونی ، به ویژه از سوی جغرافی دانان ، همراه بوده است .عبارت جهانِ اسلام که در چند دهه اخیر رواج یافته ، مرکّب از دو واژه با کاربردهای گوناگون است . واژه جهان ، که در مقدمه شاهنامه ابومنصوری (پایان یافته در سال ۲۶۰) آمده (رجوع کنید به قزوینی ، ج ۲، ص ۴۲)، در فارسی دری به معنای زمین یا ربع مسکون به کار رفته است . واژه جهان در عنوان کتابهای جغرافیایی دوره اسلامی نیز آمده ، از آن جمله است : جهان نامه نجیب بکران ، جهان نمای حاجی خلیفه که دارای مطالبی در باره جغرافیای جهان اسلام است ، و جهان نمای فلوغون رفائیل .در دوره معاصر، واژه جهان به تدریج در ترکیبهای گوناگون به کار رفته است ، از جمله در جهان سوم ، و برنامه ها و سازمانها با مقیاس فراقاره ای مانند تجارت جهانی ، بازار جهانی ، جهان شهرها و سازمان تجارت جهانی . در قرن اخیر، به مجموعه ای از کشورها با ویژگیهای اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی خاص ، که مشخصه اصلی و مشترک اعضای یک کلیت است ، واژه جهان اطلاق گردیده است .جغرافی دانان متقدم دوره اسلامی مفهوم جهان اسلام را با عناوین گوناگونی عرضه کرده اند. مثلاً، ابن حوقل در اواسط قرن چهارم ترکیب مملکت اسلام و بلاد اسلام را به کار برده است (رجوع کنید به ص ۱۶ـ۱۷) و مقدسی بلد الاسلام را معادل عبارت مذکور قرار داده و اجزای آن را در چهارده اقلیم جداگانه توصیف کرده است (رجوع کنید به ص ۶، ۹). در کتاب اشکال العالم ، تألیف ابوالقاسم بن احمد جیهانی ، اصطلاحات گوناگونی برای معرفی جهان اسلام به کار رفته ، از جمله واژه اسلام در جاهای متعددی به معنای سرزمینهای اسلامی به کار رفته (برای نمونه رجوع کنید به ص ۵۶، ۶۳، ۸۲) یا ممالک / مملکت اسلام یکی از چهار مملکت جهان (اسلام ، روم ، چین و هند) با حدود مشخص معرفی شده (رجوع کنید به جیهانی ، دیباچه کاتب ، ص ۳۵ـ ۳۶)، بلاد اسلام با بیست اقلیم برای شناساندن جهان اسلام استفاده شده (رجوع کنید به همان دیباچه ، ص ۴۰) و مسعودی (ج ۲، ص ۳۷۷)، به نقل از فزاری ، برای بیان حدود جهان اسلام از «قلمرو امیرالمؤمنین » (مراد خلیفه عباسی است) سخن گفته است .جغرافی دانان فارسی نویس متقدم نیز علاوه بر آنکه جهان اسلام را با ترکیبات مشابه به کار برده اند، معانی دیگری از جهان نیز عرضه کرده اند. مثلاً، مؤلف حدود العالم (ص ۵۷، ۲۰۰) ناحیت مسلمانی یا حدود مسلمانی را برای معرفی قلمرو مسلمانان به کار برده است . گردیزی (ص ۵۴۴) بخشی از جهان اسلام را «میان جهان »، برای معرفی محدوده ای از مکه و مدینه تا خراسان و نیمروز و بخشی از شام ، نامیده است .اصطلاح جهان اسلام در سال ۱۳۲۴/ ۱۹۰۶ در عنوان کتاب The Mohammadan world of today اثر زویمر ذکر شده است . در چاپ اول >دایره المعارف اسلام <(ج۱، مقدمه) اصطلاح «مردمان مسلمان » به کار رفته و عبارات سرزمینهای اسلامی ، امپراتوری اسلامی ، مملکت اسلامی و نواحی اسلامی را آدام متز (ج ۱، ص ۱۳) به کار برده است .در ایران ، برای بیان مفهوم جهان اسلام ، دانشنامه ایران و اسلام از عبارات کشورهای مسلمان ، عالم اسلامی و جامعه اسلامی استفاده کرده

است (ج ۱، مقدمه یارشاطر، ص ۹، ۱۳، ۱۹). کاربرد اصطلاح جهان اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی ،افزون بر کتابها و مقالات علمی ، در متون حقوقی و برنامه ای نیز راه یافت . در اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، مصوب ۱۳۵۸ ش ، اصطلاح جهان اسلام و ملل اسلامی آمده است . در سندی به تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۸۲، که موضوع آن چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی است ، نیز عبارت جهانِاسلام به کار رفته و در بند سی ام سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران ، «تحکیم روابط با جهانِ اسلام » مطرح شده است .امروزه کاربرد اصطلاح جهان اسلام ، در عنوان بسیاری از احزاب و گروهها، سازمانها، مؤسسات ، همایشها، مجامع ، کتابها و مجلات حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی رایج است (رجوع کنید به کوهستانی نژاد، کتاب ۲، ص ۶۳-۷۴، ۱۶۰).

حدود و وسعت از آغاز تا دوره معاصر .الگوی گسترش تاریخی اسلام برحسب ویژگیهای طبیعی ، به صورت صفحات گسترده و به هم پیوسته بوده و جز در سرزمینهایی که پیروان ادیان مختلف ، به صورت مستقل ، در درون کشورهای اسلامی می زیسته اند، گسستگی جغرافیایی در آن راه نداشته است . تداوم این روند موجب شده است تا جهان اسلام ، اکنون نیز به صورت پیوسته ، نواری از کشورها را در بر گیرد که از افریقای غربی تا جنوب شرقی آسیا قرار دارند. با این حال ، پراکندگی کنونی مسلمانان در کشورهای غربی و دیگر کشورهای غیراسلامی ــ که بنابه دلایل اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی بر اثر مهاجرت یا فعالیتهای تبلیغی در حوزه های فرهنگی ـ تمدنی دیگر صورت گرفته ــ موجب شکل گیری اجتماعات مجزا خارج از حوزه جغرافیایی جهان اسلام شده است .هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم رسالت الاهی خود را اعلام و پس از سیزده سال هجرت کردند و نخستین جامعه اسلام را در یثرب تشکیل دادند، مردم حجاز و جزیره العرب *، به ویژه پس از فتح مکه ، به سرعت به اسلام گرویدند و در زمان رحلت آن حضرت ، اسلام تقریباً در شبه جزیره تثبیت شد. در زمان خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳) حدود اسلام به سراسر جزیره العرب ، بخشی از شام و باریکه کوچکی از ساحل شرقی افریقا کشیده شده بود. در زمان خلافت عمر (۱۳-۲۳)، این حدود در بخشهایی از ایران ، شام و آناطولی و شمال افریقا و حدود افریقیه گسترش یافت و در پایان دوره اموی تا دره های سند و سیحون و دریاچه آرال در شرق ، ارمینیه در شمال ، شمال افریقا و تقریباً سراسر شبه جزیره ایبری در اروپا توسعه پیدا کرد (رجوع کنید به روتون و نانجی، ص ۲۸-۲۹). مسعودی ، جغرافی دان سده چهارم ، حدود جهان اسلام را چنین آورده است : از فرغانه و انتهای خراسان تا طنجه در مغرب به طول ۷۰۰ ، ۳ فرسنگ ، از دربند (باب الابواب*) تا جده ۶۰۰ فرسنگ (ج ۲، ص ۳۷۷). به نظر ابن حوقل (ص ۱۰-۱۷)، حدود اسلام از مشرق به کشور هند، از مغرب تا سرزمین سیاهیانِ اقیانوس اطلس و اندلس ، از شمال به روم و ارمینیه و خزر و سرزمینهای بلغار و اسلاو و ترکستان و چین ، و از جنوب به اقیانوس هند محدود بود. در سده چهارم ، فرد مسلمان می توانست در داخل حدود مذکور، که یکسان نماز بر پا می کردند و دین واحدی داشتند، سفر کند (متز، ج ۱، ص ۱۵). در اواخر قرن چهارم ، مقدسی (ص ۶۴) مملکت اسلام را از کاشغر در مشرق و سوسِ تونس در مغرب ، به فاصله دو ماه راه ، ذکر کرده است .در دوره عباسیان (حک: ۱۳۲-۶۵۶)، اگر چه قلمرو حکام عباسی در بسیاری از مناطق جزیره العرب و شمال افریقا محدود شده بود، حدود اسلام در بخشهایی از مشرق و افریقا توسعه یافت و در سده های پس از حکومت عباسیان ، جنوب شرقی آسیا (به ویژه مالزی و مجمع الجزایر اندونزی) به اسلام گروید (رجوع کنید به روتون و نانجی ، ص ۳۶-۳۷، ۴۰-۴۱، ۱۰۶-۱۰۷). تا سده نهم حد شمالی جهان اسلام در شمال دریای سیاه و حدود پانصد کیلومتری مسکو، حد شرقی در سراسر مجمع الجزایر اندونزی (به جز کالیمانتان)، حد غربی تا مغرب افریقا و حد جنوبی تا کشور موزامبیک و جزیره القمر بود (رجوع کنید به >اطلس تاریخی اسلام <، ص ۱۱). سرزمین جهان اسلامِ منتهی به سده یازدهم ، به جز قسمت کوچکی از جنوب شبه قاره هند و جزیره سیلان ، به صورت پیوسته بود و در مشرق ، کالیمانتان و جزایر دیگری در جنوب شرقی آسیا در قلمرو اسلام قرار داشت ، اما در شمال ، مرزهای مسلمانان در جنوب مسکو به سمت جنوب کشیده شده بود و در شمال ماوراءالنهر توسعه داشت (همان ، ص ۱۲). امروزه (تا پایان ۱۳۸۵ ش) قلمرو مسلمانانِ جهان ــ که با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ۳۶۲ میلیون تن (۲۱% از جمعیت شش میلیارد و ۴۷۷ میلیونی جهان) در ۲۰۴ کشور پراکنده اند ــ بر چهار قسمِ به هم پیوسته یا پراکنده قابل تقسیم بندی است :قسم اول : پنجاه کشور مستقل که بین ۵۰ تا حدود ۱۰۰% جمعیت آنها مسلمان اند. به هم پیوستگی یا پراکندگی فضایی این کشورها بدین قرار است : مجموعه ۴۳ کشور همجوار به هم پیوسته و از نظر فضایی یکپارچه در آسیای غربی (شامل

آسیای میانه ، قفقاز و خاورمیانه) و قسمت اعظم بخش شمالی قاره افریقا با بیش از ۷۴۱ میلیون تن جمعیت مسلمان ؛ مجموعه سه کشور به هم پیوسته مالزی ، برونئی و اندونزی در جنوب شرقی آسیا با بیش از ۲۰۶ میلیون تن جمعیت مسلمان ؛ کشورهای گسسته و محاط بین کشورهای غیرمسلمان ، شامل بنگلادش در آسیای جنوبی و آلبانی در اروپا با بیش از ۱۲۳ میلیون تن جمعیت مسلمان ؛ و کشورهای جزیره ای مالدیو و کومور در اقیانوس هند با نزدیک به ۰۰۰ ، ۹۰۳ تن جمعیت مسلمان . چون بیرون از مرز کشورهای اسلامی نیز دین اسلام انتشار یافته است ، مرز کشورهای اسلامی تعیین کننده حد نهایی جمعیت مسلمان نیست .قسم دوم : ناحیه های بسیار بزرگ اسلامی که در آن مسلمانان به صورت نوعی درونگانِ دینی در واحدهای مشخص و جداگانه جغرافیایی کشورهای غیراسلامی جای دارند، مانند مسلمانان چین ، هندوستان ، جمهوری فدرال روسیه ، اتیوپی ، بورکینافاسو، ساحل عاج و بنین .قسم سوم : گروههای جمعیتی درخور توجه مسلمانان در کشورهای اروپایی ، امریکایی و افریقایی . سکونت گزینی مسلمانان ، به ویژه سنّیها، در کشورهایی مانند انگلیس (بیشتر پاکستانیها)، فرانسه (افریقاییهای مسلمان) و آلمان (ترکهای ترکیه)، مثالهایی از این قسم است . این سکونت گزینی ، بسته به کشورهایی که مهاجران یا کارگران از کشور مبدأ می آیند، معمولاً در مناطقی با بافت یکپارچه ، با زندگی اجتماعی ـ اقتصادی در سطح نه چندان مطلوب صورت می گیرد.قسم چهارم : گروههای جمعیتی اندک و نه چندان درخور توجه مسلمانان که در کشورهای پنج قاره جهان پراکنده اند.با توجه به این اقسام ، مختصات جغرافیایی و حدود جهان اسلام ، تنها به محدوده کشورهای قسم اول اطلاق می شود.وسعت جهان اسلام که در پنجاه کشور قسم اول حدود سی میلیون کیلومتر مربع (حدود ۲۲% خشکیهای کره زمین) است ، همه وسعت جهان اسلام نیست ، بلکه وسعت سرزمینهایی است که بیشتر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند (رجوع کنید به زوکه ، ۲۰۰۷، ص ۳۴ ـ ۳۷). بنابراین ، مختصات جغرافیایی جهان اسلام بدین قرار است : مرز شمالی ـ جنوبی از ´۲۰ ۵۵ عرض شمالی در کشور قزاقستان تا ´۳۵ ۱۱ عرض جنوبی در اندونزی ؛ مرز شرقی ـ غربی از ´۵ ۱۴۱ طول شرقی در کشور اندونزی تا ´۲۰ ۱۷ طول غربی در ساحل سنگال در اقیانوس اطلس . این مختصات با توجه به پراکندگی کشورها و سرزمینهای مسلمان نشین جهان اسلام در قاره های آسیا و افریقا متفاوت است . مثلاً، در بخش شمالی قاره افریقا، مرز شمالی مسلمانان در کشور تونس (۳۰ ۳۷ عرض شمالی) و مرز جنوبی در نیجریه (در ´۳۰ ۴ عرض شمالی) است . دامنه سرزمینهای مسلمان نشین در ساحل شرقی افریقا (در کشور موزامبیک با ۱۸% مسلمان) تا °۲۱ عرض جنوبی نیز می رسد (برای مختصات جغرافیایی رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمز<، ۲۰۰۵؛ اشپیگل ، ش ۱، ۱۹۹۸، ص ۲۶، نقشه »>کمربند سبز< «؛ نیز رجوع کنید به زوکه ، ۲۰۰۷، ص ۱۷). بنابر مختصات مذکور، بین غربی ترین و شرقی ترین قسمت جهان اسلام ، با احتساب آنکه هر °۱۵ جغرافیایی برابر با یک ساعت است ، بیش از دَه ساعت اختلاف زمان وجود دارد. سه کشور سودان ، الجزایر و عربستان به ترتیب وسیع ترین کشورهای جهان اسلام اند و حدود ۲۴% از وسعت جهان اسلام را به خود اختصاص داده اند.از دیدگاهی دیگر، جهان اسلام به سه منطقه غربی ، شرقی و مرکزی تقسیم می شود. اساس این تقسیم بندی بحرانها و مشکلات جهان اسلام است . در این دیدگاه ، کشورهای مسلمان شمال افریقا، صحرای افریقا و مغرب افریقا در منطقه غربی ، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا و آسیای مرکزی در منطقه شرقی و کشورهای خاورمیانه در منطقه مرکزی قرار می گیرند (گلی زواره ، ص ۶۲-۶۳). کشورهای بنین (با ۴ر۲۴% مسلمان)، کامرون (با ۲۲% مسلمان)، موزامبیک (با ۱۸% مسلمان)، گویان (با ۸% مسلمان) و گابن (با ۵% مسلمان) که با جمعیت مسلمان کمتر از ۵۰% (در ۱۳۸۳ ش / ۲۰۰۴)، در سازمان کنفرانس اسلامی عضویت دارند، جزو کشورهای اسلامی به شمار نمی آیند و در مختصات جغرافیایی جهان اسلام در نظر گرفته نشده اند.در نتیجه گسترش اسلام ، فاصله مستقیم دورترین نقاط اسلامی از مکه به عنوان کانون اسلام ، به بیش از ده هزار کیلومتر رسیده و در درون این محدوده حوزه ها و مناطق گوناگونی شکل گرفته است . از دیدگاهی دیگر، جهان اسلام ، با توجه به پیشینه تاریخی ، به چندین واحد فرهنگی ـ تمدنی تقسیم بندی می شود، بدین قرار: حوزه شرقی ، حوزه شبه قاره هند، حوزه جهان مالایایی ، حوزه چین ، حوزه مسلمانان اروپا، اجتماعات جدید مسلمانان .الف) حوزه شرقی . درمیان جغرافی دانان ، به ویژه جغرافی دانان غربی ، مهم ترین بخش حوزه فرهنگی جهان اسلام ، حوزه شرقی آن است . این حوزه پیوسته فرهنگ اسلامی با توجه به شاخصه های سیاسی ، محیطی ، زیست محیطی و فرهنگی شش ویژگی منحصر به فرد دارد: براساس مشخصات محیط طبیعی و موقعیتی ، کمربند خشک برّ قدیم را در برمی گیرد؛ غنی ترین ذخایر نفت جهان در آن جای دارد؛ از نظر تاریخ فرهنگی ، شرق اسلامی مهد انقلاب نوسنگی و در عین حال مهد فرهنگی کنونی بشر

است ؛ قسمتی از این حوزه ، بخشی از دنیای رومی قدیم به شمار می رود که از دیرباز در حوزه فرهنگی اسلام قرار گرفته است ؛ کشورهای واقع در این حوزه ، از لحاظ شیوه تولید، تحت تأثیر سرمایه داری بهره بری قرار دارند و جزو کشورهای جهان سوم با پیشینه غنی فرهنگی به شمار می روند. بر این اساس ، در این حوزه سه شیوه زیستی ، شهری ، روستایی و کوچگری ، رایج است . حوزه فرهنگی شرق اسلامی ، خود به چهار منطقه فرهنگی کوچک تر تقسیم می شود:۱. منطقه عربی . کلیه کشورهای عرب زبان جزو منطقه عربی به شمار می روند که مشخصه اصلی آن استفاده از زبان عربی است . این منطقه دارای دو بخش شرقی ـ غربی با مرزی است که از وسط کشور لیبی می گذرد. بخش غربی ، که در قدیم به مغرب معروف بود، خود دارای دو قسمت است : غرب نزدیک شامل مغرب لیبی ، تونس و بیشتر الجزایر، و غرب دور شامل مغرب الجزایر، مراکش (مغرب)، موریتانی و در سده های اولیه اسلامی اندلس یا بخش مسلمان نشین شبه جزیره ایبری . یکی از نکات درخور توجه در باره بخش غربی منطقه عربی ، زندگی گروههای غیر عرب مهمی مانند بربرها در این منطقه است که اغلب در کوهستانهای اطلس زندگی می کنند و زبان مخصوص خود را دارند(نصر، ص ۱۱۵-۱۱۷).۲. منطقه ایرانی . مردمان حوزه فرهنگی ایران پس از ساکنان جزیره العرب و شام به دین اسلام پیوستند و بنای عظیم فرهنگ و تمدن اسلامی ـ ایرانی را شکل دادند. این منطقه ، ایران کنونی ، افغانستان ، تاجیکستان ، پاکستان و برخی از مناطق ازبکستان را در برمی گیرد و زبان غالب در آن فارسی است . بیشتر اهالی این منطقه ایرانی الاصل هستند و زبانهای کردی ، بلوچی و پشتو، که از خانواده زبانهای هند و اروپایی به شمار می آید، در برخی مناطق آن تکلم می شود. مردم منطقه ایرانی احترام ویژه ای برای اهل بیت پیامبر اکرم و اولاد ایشان قائل اند و شمار قابل توجهی از آنان شیعه اند (همان ، ص ۱۱۷-۱۱۹؛ نیز رجوع کنید به ادامه مقاله).۳. منطقه افریقای سیاه . از نظر گستره جغرافیایی به منطقه گسترده ای از اتیوپی در شرق افریقا تا مالی و سنگال در غرب افریقا گفته می شود. مهاجرت برخی از صحابیان به چاد فعلی در مسلمان شدن این منطقه و شکل گیری فضای فرهنگی اسلامی آن مؤثر بوده و بعدها بازرگانی به انتشار اسلام در آنجا کمک فراوانی کرده است . مثلاً، نقش قبایلی چون صنهاجه * که خود در اوایل اسلام ، این دین را پذیرفتند و میان مسلمانان عرب و افریقاییان شمالی و سیاه در رفت و آمد بودند، برجسته است . در افریقای شرقی ، که ورود اسلام در آنجا زودتر از افریقای غربی صورت گرفت ، مهاجرت مردم عرب و ایرانیان تأثیر فراوان داشت و از این رو، زبان سواحلی *، که از آمیزش زبانهای عربی ، فارسی و بانتو *پدید آمد، مهم ترین زبان اسلامی مسلمانان این بخش شد. در منطقه افریقای سیاه ، برعکس مناطق عربی و ایرانی که تنها یک زبان در آنها غلبه دارد، مناطق فرعی زبانهای کاملاً مستقل دارند. پاره ای از این زبانها، زبان مسیحیان آن مناطق نیز به شمار می روند و به لحاظ فرهنگی ، برای مسیحیان افریقا حائز اهمیت اند. منطقه فرهنگی افریقایی سیاه ، از تنوع بسیاری برخوردار است و چشم انداز متنوعی از گونه های قومی و فرهنگی در چارچوب وحدت محلی فرهنگ افریقای سیاه و نیز وحدت سراسری اسلام در آن مشاهده می شود (همان ، ص ۱۱۹- ۱۲۱).۴. منطقه ترک زبان . این منطقه شامل همه جاهایی است که مردم آن غالباً به زبانهای آلتایی (رجوع کنید به آلتاییان*) سخن می گویند. مهم ترین این زبانها، ترکی (ترکی استانبولی ، ترکی آذری ، چچنی ، اویغوری ، ازبکی ، قرقیزی و ترکمن) است . مردمان این منطقه ، در اصل صحرا نشینانِ کوهستانهای آلتایی هستند که پس از حرکت به سمت غرب ، تا آناطولی پیش رفتند و بعدها در تاریخ اسلام ، امپراتوری عثمانی را پایه گذاری کردند. گستره جغرافیایی مردم منطقه آلتایی از مقدونیه تا سیبری و به صورت گروههای اندک در نواحی غیر ترک زبان خاورمیانه است . این گروه نیز از پراکندگی قومی و فرهنگی فراوانی برخوردار است (همان ، ص ۱۲۱ ـ ۱۲۳).ب) حوزه شبه قاره هند. با تصرف دره سند از سوی مسلمانان در سال ۹۲، راه گسترش اسلام در این حوزه هموار شد؛ با این حال ، اصلی ترین عامل انتشار اسلام ، گروههای صوفیه بودند. این حوزه از تنوع بالای قومی برخوردار است و زبان فارسی حدود هزار سال در آن رایج بوده است . امروزه زبانهای محلی سندی ، گجراتی *، پنجابی *و بنگالی *از زبانهای مسلمانان اند که ، پرآوازه شده اند. در عین حال ، زبان اردو به صورت زبان مهم آنجا درآمد و در پاکستان به عنوان زبان رسمی پذیرفته شد. این حوزه شامل پاکستان ، بنگلادش و مسلمانان هند، نپال و سریلانکا است که رشد جمعیت بالایی دارند و بعضی از بزرگ ترین آثار هنر و فرهنگ اسلامی در آنها شکل گرفته است (همان ، ص ۱۲۳-۱۲۴).ج) حوزه جهان مالایایی . این حوزه در جنوب شرقی آسیا قرارداد و مردم آن که از طریق بازرگانان حوزه خلیج فارس و نیز تجار و صوفیان هندی به اسلام پیوستند، دارای ویژگیهای محلی با همگرایی قومی بالا هستند. زبانهای مالایایی و جاوه ای در کشورهای این حوزه ــ شاملِ اندونزی ، مالزی ، برونئی و اقلیتهای تایلند، فیلیپین ،

کامبوج و ویتنام ــ رایج است و علاقه مسلمانان مالایایی به مکه و مدینه و سنّتهای نبوی پس از پیوستن اینان به دارالاسلام زبانزد است (همان ، ص ۱۲۴ـ ۱۲۵).د) حوزه چین . این حوزه از دیگر حوزه های فرهنگی ذکر شده کوچک تر است ؛ با این حال ، پس از پیوستن مردم این منطقه به اسلام ، به رغم در دست نبودن جمعیت دقیق آنان ، شمار زیادی مسلمان در این حوزه ذکر می شود. مسلمانان این حوزه ، معماری و خوشنویسی ممتازی در جهان اسلام دارند (رجوع کنید به همان ، ص ۱۲۵ـ۱۲۶).ه) حوزه مسلمانان اروپا. این حوزه شامل سرزمینهای آلبانی ، کوزوو، مقدونیه و بوسنی است و به لحاظ قومی ، مردمی از نژاد اروپایی هستند (رجوع کنید به همان ، ص ۱۲۶).و) اجتماعات جدید مسلمانان . این گروه شامل مسلمانان کشورهای اروپایی و امریکاست که از مهاجران مسلمان یا گروندگان بومی به اسلام تشکیل می شود. حدود پنج میلیون مسلمان در فرانسه ، حدود سه میلیون ترک و تعداد زیادی کُرد در آلمان و حدود دو میلیون مهاجر غالباً هندی در انگلستان وجود دارند. مسلمانان امریکا، که غالباً مهاجران کشورهای عربی ، ایران و شبه قاره اند، از مهم ترین اجتماعات این حوزه به شمار می روند (رجوع کنید به همان ، ص ۱۲۶ـ ۱۳۰).به طور کلی در این گستره وسیع فرهنگ اسلامی ، مجموعه ای از اقوام ، زبانها، انواع هنر و تنوع آداب به چشم می خورد و می توان گفت در پهنه ای از جنگلهای برونئی تا کوههای هندوکش و بیابانهای افریقا، اسلام پیروانی از گروههای قومی مختلف دارد که دارای وحدتی برخاسته از اسلام هستند (همان ، ص ۱۳۰.(

ویژگیهای طبیعی . چهره طبیعی جهان اسلام زیربنای تشکل چشم اندازهای فرهنگی است . تجزیه و تحلیل این چهره ، اساس دریافت سرشت واحد بزرگ فرهنگی ـ تمدنی جهان اسلام و زیرمجموعه های کوچک تر آن است . گستره طبیعی این واحد بزرگ ، با توجه به اصول جغرافیایی ، در چارچوب شکل گیری همواریها و ناهمواریها، اقلیم و منابع آب و پوشش گیاهی و خاک ، قابل بررسی است . از این رو، ویژگیهای طبیعی جهان اسلام به قرار زیر است :الف) چهره طبیعی . جهان اسلام ،از نظر زمین شناسی ، کوهزایی و نوع ناهمواریها، عمدتاً به سه سیستم بزرگ مشخص تعلق دارد، شامل کمربند چین خوردگی جدید سیستم آلپی در اوراسیا، منطقه هموار توده های کهن سپر افریقایی ـ عربی و منطقه گذار چین خوردگیهای دوران مزوزوئیک . کمربند چین خوردگی جدید سیستم آلپی در جهان اسلام به دو واحد بزرگ جغرافیایی تقسیم می شود:۱. واحد مرکّب از آسیای جنوب غربی ، آسیای میانه و شمال افریقا به همراه کشورهای پاکستان و افغانستان که از سواحل اقیانوس اطلس تا رشته کوه هیمالایا را در برمی گیرد و شامل رشته کوه اطلس در افریقا، کوههای توروس * و فلات آناطولی در ترکیه ، رشته کوههای آرارات ، البرز و زاگرس ، ارتفاعات شام و شبه جزیره ، رشته کوههای پامیر*، هندوکش و قراقروم است (رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمز، ۲۰۰۵ .(<این منطقه از نظر زمین شناسی شرایط ویژه ای دارد، زیرا بخشی از پوسته زمین یا سه صفحه تکتونیکی افریقا، اروپا ـ آسیا و عربستان با هم تلاقی کرده و متأثر از آن کوههای بزرگ چین خورده پدیده آمده است (درایسدل و بلیک، ص ۲۱ـ ۲۵). حجم ، وسعت ، جهت و ارتفاع این ناهمواریها آثار متنوعی در اقالیم حیاتی و بوم شناسی (اکولوژی) جانوری و گیاهی و منابع آب و به طور کلی زندگی منطقه دارد (برای اطلاع از این ناهمواریها در کشورهای اسلامی رجوع کنید به مدخل خاص هر کشور).۲. واحد مرکّب از دنباله کمربند چین خورده عظیم در هندوچین و آسیای جنوب شرقی که رشته کوه هیمالایا و ارتفاعات مجمع الجزایر اندونزی و برونئی را دربرمی گیرد. منطقه هموار توده های کهن سپر افریقایی ـ عربی که در جنوب سیستم آلپی قرار دارد و شامل مجموعه ای از فلاتها و زمینهای نسبتاً هموار افریقا، شبه جزیره عربستان و ایران است . زیر بنای این مجموعه پهناور،تشکیلات مقاومِ سکومانند افریقایی ـ عربی است . توده هگّار در جنوب الجزایر، که متعلق به دوره پره کامبرین است ، منطقه عسیر در مغرب شبه جزیره عربستان ، بیابانهای ماسه ای عظیم ربع الخالی ، شنزارها و فلاتهای هموار صخره ای در این منطقه گسترده اند. دشتها و کویرهای مرکز و مشرق ایران و دشتهای آناطولی در این مجموعه قرار می گیرند و استپها حاشیه این منطقه را تشکیل می دهند. بنابراین ، اکوسیستمهای بیابان ، واحه ها، استپ با تنوع منطقه ای و محلی در این منطقه قرار می گیرند. منطقه گذار چین خوردگیهای دوران مزوزوئیک ، که در آسیای غربی شامل سرزمینهای پست دجله و فرات (بین النهرین) و منطقه فروافتادگی خلیج فارس است ، بین دو چشم انداز اصلی سیستم کوهستانی ترکیه و ایران از یک طرف و سپر شبه جزیره عربستان از طرف دیگر قراردارد. در مناطق دیگری از جهان اسلام ، مانند دره سند پاکستان یا بنگلادش ، نمونه هایی از این منطقه مشاهده می شود.بیابان در معنا و مفهوم عام ، از پدیده های طبیعی خاص جهان اسلام است و

چشم انداز عمومی طبیعی جهان اسلام ، کمربند بیابانی از سواحل اقیانوس اطلس تا آسیای میانه دارد که در هر یک از مناطق ، آثار فراوانی در سکونت ، زندگی و اقتصاد ساکنان داشته است . وسعت کل بیابانهای جهان اسلام بالغ بر هفده میلیون کیلومتر مربع است که به طور کلی در صحرای افریقا، شبه جزیره عربستان ، ایران و ترکستان گسترده است . صحرای افریقا با ۰۰۰ ، ۵۶۰ ، ۸ کیلومترمربع ، بیابان عربستان در مفهوم فراگیر شامل صحاری شام و شمال شبه جزیره عربستان و شبه جزیره سینا با ۰۰۰ ، ۵۰۰ ، ۳ کیلومتر مربع ، بیابان مرکز و جنوب جزیره العرب با ۰۰۰ ، ۷۵۰ ، ۲ کیلومتر مربع و بیابانها و کویرهای ایران در حوضه های طبیعی ، مانند کویر بزرگ ، کویر قم ، لوت ، جزموریان *، از مهم ترین بیابانهای جهان اسلام اند (رجوع کنید به شیفرز، ص ۲۲ـ۲۴؛ الرس ، ۱۳۶۵ ش ، ج ۱، ص ۷۰؛ نیز رجوع کنید به بیابان (۱) *).تنگه ها و آبراهه های بزرگ مصنوعی از عوارض درخور ذکر در جهان اسلام به شمار می روند. این عوارض به دلیل موقعیت سوق الجیشی در ارتباطات بین الملل ، نقش مهم و روزافزونی در جغرافیای سیاسی جهان دارند و تقریباً در سراسر قلمرو اسلامی از مغرب تا مشرق دیده می شوند. اهمیت سوق الجیشی تنگه های جبل طارق در مغرب جهان اسلام ، مرمره و داردانل در ترکیه ، سوئز، باب المندب و هرمز در خاورمیانه و مالاکا در آسیای جنوب شرقی بیشتر از بقیه است و نقش تعیین کننده ای در سرنوشت مردم جهان دارند (میرحیدر، ص ۲۰۶؛ برای اطلاع بیشتر از ناهمواریها و دسته بندیهای طبیعی جهان اسلام ، حوضه ها و دشتها، دریاها و دریاچه ها رجوع کنید به عادل عبدالسلام ، ص ۸۵ ـ۱۹۷).ب) آب و هوا و طبقه بندی اقلیمی . جهان اسلام آب و هوای متنوعی دارد که ویژگیهای آب و هوایی هر یک از مناطق آن ، برآیندی از تأثیر سرنوشت ساز عوامل اقلیمی شامل وسعت ، مختصات جغرافیایی ، کمربندهای فروبار، آرایش خشکی و دریا یا دوری و نزدیکی به آبهای آزاد و بسته ، ناهمواریهای عظیم و اختلاف ارتفاع از سطح آبهای آزاد و عناصر اقلیمی شامل دما، بارش ، فشار، رطوبت ، تبخیر و نظایر آن است .وسعت . کشیدگی ، پهناوری و قرارگیری واحدهای بزرگ جهان اسلام یا کشورهای اسلامی به هم پیوسته در جنوب شرقی آسیا با واحدهای بزرگ کشورهای اسلامی آسیای غربی و نیمه شمالی قاره افریقا چنان است که خطوط اقلیمی هر یک از این واحدها مخصوص به خود است .مختصات جغرافیایی . متناسب با عرضهای جغرافیایی ، از جنوب خط استوا تا مدار ˚۵۵ عرض شمالی و هماهنگ با طول جغرافیایی از اقیانوس مغربی (اطلس مرکزی) تا اقیانوس مشرقی (اقیانوس کبیر یا آرام) و بحراعظم (اقیانوس هند)، زاویه تابش خورشید و پیامدهای اقلیمی آن متفاوت است .کمربندهای فروبار. کمربند همگرایی حاره ای یا فروبار استوایی ، فروبار موسمی و کمربند کم فشار منطقه خشک و نیمه خشک افریقایی ـ آسیایی در هر یک از واحدهای بزرگ آب و هوایی جهان اسلام آثار خاص خود را دارند.آرایش خشکی و دریا یا دوری و نزدیکی به آبهای آزاد و بسته . دوری و نزدیکی کشورها و سرزمینهای اسلامی و مناطق درونی آنها نسبت به آبهای جهانی (اقیانوسها، دریاها، دریاچه ها و رودهای بزرگ) به گونه ای است که در قسمتهایی از جهان اسلام که پیشروی آب در میان خشکیها صورت گرفته یا مجاور آبهای آزاد هستند، سرزمینهای اسلامی با آثار اقلیمی آبهای آزاد روبه رو شده اند. مثلاً، دریای مدیترانه در ایجاد اقلیم مدیترانه ای بخشی از جهان اسلام در خاورمیانه و شمال افریقا و میزان رطوبت و بارش این مناطق اثر فراوان دارد.ناهمواریهای عظیم . اثر سرنوشت ساز کوهستانهای عظیم اطلس در شمال افریقا، ارتفاعات آناطولی و توروس در ترکیه ، رشته کوههای طولانی از البرز و زاگرس در ایران تا کوهستانهای بلند باریسان در مجمع الجزایر اندونزی و نیز چیرگی بیابانهای پهناور، در ایجاد مناطق خاص اقلیمی با ویژگیهای متفاوتِ آب و هوایی پیداست .اختلاف ارتفاع از سطح آبهای آزاد. بلندترین نقطه در جهان اسلام در رشته کوه قراقروم در قله گادوین اوستن یا کی ۲ با ۶۱۱ ، ۸ متر ارتفاع در جامو و کشمیر *قرار دارد (رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمزر، نقشه ۲۹) و گودترین نقطه جهان اسلام در بحرالمیت (رجوع کنید به بحرلوط *) ۴۱۱ متر پایین تر از سطح آبهای آزاد است (رجوع کنید به همان ، نقشه ۳۶). بدین ترتیب ، اثر اقلیمی بیش از نه هزار متر ارتفاع در سرزمینهای اسلامی ، با توجه به آهنگ کاهش دما در شرایط معمول (با افزایش هر صد متر ارتفاع ، حدود˚۶ر۰ از دما کاسته می شود)، روشن است (هوا و اقلیم شناسی ، ص ۷۲).با توجه به پیوستگی تنگاتنگ میان عوامل و عناصر اقلیمی ، جهان اسلام را می توان به انواع مناطق آب و هوایی و گروههای اقلیمی ، براساس تقسیم بندی اقلیمی کوپن ، که مهم ترین سیستم تقسیم بندی آب و هوایی جهان است ، طبقه بندی کرد.تقسیم بندی اقلیمی کوپن براساس رابطه میان بارش (مقدار و توزیع آن در طول سال) و دما، با تأثیر آب و هوا در رشد پوشش گیاهی تنظیم شده است و در آن پنج گروه اقلیمی بزرگ که با پنج منطقه عمده گیاهی مطابقت دارد مشخص گردیده است (گنجی ، ۱۳۵۳ش ، ص ۱۰۴؛ علیجانی

و کاویانی ، ص ۳۴۸). در این طبقه بندی ، به جز منطقه اقلیمی شامل مناطق خشک ، بقیه مناطق مختص آب و هوای مرطوب اند که برحسب معیارهای حرارتی مرزبندی شده اند (رجوع کنید به جوانمرد و آسیایی ، ص ۱۱۶- ۱۱۷؛ >اطلس جامع جهان تایمزد، ص ۳۷). براساس طبقه بندی کوپن ، جهان اسلام به جز گروه اقلیمی مختص عرضهای جغرافیایی بالا و قطب ، در این چهار گروه گسترده شده است :۱. گروه آب و هوای حارّه ای . قلمرو جغرافیایی این آب و هوا در جهان اسلام ، سواحل غربی شبه جزیره دکن ، ساحل خلیج گینه ، از سیرالئون تا لیبریا و از نیجریه تا کامرون ، ساحل غربی مالزی ، بنگلادش و بخشی از اندونزی است . ایستگاههای شاخص این نوع آب و هوا در کشورهای اسلامی عبارت اند از: سوراکارتا (در جزیره جاوه اندونزی)، کوتاکینابالو (در قسمت سراواک مالزی)، کوتاباهارو، پنانگ و مالاکا (در مالزی)، چیتاگنگ (در بنگلادش) و ماله (در مالدیو). این اقلیم دارای آب و هوای گوناگونی است که همه آنها در کشورهای اسلامی مشاهده می گردد (رجوع کنید به اشتراسر، ۱۹۹۹؛ علیجانی و کاویانی ، ص ۳۵۷-۳۵۴؛ فشارکی ، ص ۲۴۶؛ بوچر، ج ۲، ص ۲۳۰).داده ها و نمودارهای اقلیمی کشورهای افریقایی جهان اسلام (نیجریه ، مالی ، سودان ، چاد و سنگال)، که در آن جاها اقلیم مرطوب و خشک حاره ای چیره است ، بیانگر آن است که هرچه به سمت شمال ، یعنی جنوب صحرای بزرگ افریقا، پیش رویم بر دوره خشکی آب و هوا افزوده می شود.در قلمرو آب و هوای مرطوب حاره ای چند رود بزرگ جهان اسلام جریان دارند یا از آن سرچشمه می گیرند؛ در کشورهای اسلامی قاره افریقا رودهای سنگال ، نیجر و شاخه های آن و همچنین رود نیل ، از منطقه اقلیمی گرم و مرطوب حارّه ای افریقا سرچشمه می گیرند وکشورهای اسلامی سنگال ، مالی ، نیجر، سودان و مصر را آبیاری می کنند. در چهار کشور اسلامی جنوب شرقی آسیا (بنگلادش ، مالزی ، اندونزی و برونئی) نیز، جز در بخش کوچکی از جزایر جنوب شرقی اندونزی ، نه تنها کمبود بارش دیده نمی شود، بلکه در قسمت اعظم کشورهای اسلامی آسیای جنوب شرقی ، فراوانی آب ، در کنار مواهب آن ، مشکل ساز بوده و همواره زیانهایی به همراه داشته است (رجوع کنید به جدول) توفانهای حاره ای از پدیده های اقلیمی اقیانوس هند و اقیانوس کبیر در مجاورت کشورهای اسلامی در جنوب و جنوب شرقی آسیاست . بر این رویدادهای طبیعی ، امواج سهمگین و ویرانگر سونامی ، برخاسته از زمین لرزه های اقیانوس هند و کبیر، را باید افزود.۲. گروه آب و هوای خشک و نیمه خشک جنب حارّه ای . این گروه مشتمل بر چهار نوع آب و هواست که عبارت اند از: آب و هوای استپهای داغ ، استپهای سرد، بیابانهای داغ و بیابانهای سرد (علیجانی و کاویانی ، ص ۳۷۵). به طور کلی ، بخش اعظم جهان اسلام دارای آب و هوای این گروه است و توزیع جغرافیایی این گروه پهنه بزرگ کشورهای اسلامی قسم اول ، از سواحل غربی افریقا تا آسیای مرکزی ، را دربرمی گیرد. در واقع ، به جز در برخی مناطق که آب و هوای معتدل با فصل خشک حاکم است ، سراسر این محدوده آب و هوای خشک یا نیمه خشک جنب حاره دارند. در صحرای بزرگ افریقا، آب و هوای بیابانهای داغ ، با ویژگی عمده بیابانی با میانگین دمای بالاتر از صفر درجه در هر ماه ، حاکم است و حاشیه های شمالی و جنوبی این صحرا، با تفاوتهای اندک اقلیمی ، آب و هوای استپهای داغ را دارد که با فصل خشک در زمستان همراه است ، یا آب و هوای استپهای داغ که با فصل خشک در تابستان روبه روست . سراسر شبه جزیره عربستان ، بخش بزرگی از شام ، ترکیه ، ایران و آسیای میانه و سراسر مشرق و شمال دریای خزر، آب و هوای بیابانهای داغ یا آب و هوای استپهای داغ با میانگین دمای بالاتر از صفر درجه در هر ماه از سال دارند (رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمزد، ص ۳۷). نمونه بارز منطقه کم باران در حوضه این گروه ، بیابان بزرگ افریقاست . به طور کلی ، بیابان بزرگ ، قلمرو وزش بادهای بسامان خشک و سرد است ، به جز باریکه ساحل مدیترانه افریقا که از بارانهای منطقه برون حاره بهره مند می شود.در قسمتهای مرکزی بیابان (در لیبی و مصر) مناطقی وجود دارد که سالها در آنجا باران نباریده است . شرایط خشکی بیابان بزرگ افریقا به طرف غرب ، بر روی اقیانوس اطلس نیز کشیده می شود، به طوری که در ساحل غربی مراکش ، خشکی در کنار اقیانوس اطلس به حداکثر خود می رسد.ادامه بیابان بزرگ افریقا به طرف شرق ، جنوب ، شبه جزیره عربستان ، جنوب ایران ، جنوب پاکستان و فلات دکن در هندوستان را فرامی گیرد (علیجانی و کاویانی ، ص ۲۴۷-۲۴۸، ۳۷۶، ۵۵۶).۳. گروه آب و هوای معتدل با فصل خنک . ویژگی اصلی این گروه داشتن دمای بیش از ۱۰° در گرم ترین ماه سال و دمای بین ۳°- تا ۱۸° در سردترین ماه سال است . این گروه به سه زیر شاخه اصلی تقسیم می شود: معتدل اقیانوسی ، معتدل با زمستانهای خشک ، و معتدل با تابستانهای خشک (جوانمرد و آسیایی ، ص ۱۱۶؛ هوا و اقلیم شناسی ، ص ۳۳۶-۳۳۷). توزیع جغرافیایی این گروه ، بخشهایی از جهان اسلام را، در شمال گروه قبلی و نواحی واقع در مدار ۳۰° الی ۵۰° عرض

جغرافیایی ، دربرمی گیرد؛ بنابراین ، قسمتهایی ازشمال افریقا در تونس ، الجزایر و مراکش ، بخشهایی از شمال شام و ایران ، و نوار ساحلی ترکیه دارای آب و هوای این گروه هستند (رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمز <، همانجا).۴. گروه آب و هوای جنگلی سرد برفی . ویژگی عمده این گروه دمای بیش از ۱۰° سانتیگراد در گرم ترین ماه سال و کمتر از ۳°- در سردترین ماه سال است (جوانمرد و آسیایی ؛ هوا و اقلیم شناسی ، همانجاها). گسترش جغرافیایی این گروه در جهان اسلام تنها در قسمتهای کوهستانی پاکستان ، افغانستان و آسیای میانه مشاهده می شود (رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمز<، همانجا؛ برای اطلاع بیشتر از داده های اقلیمی برخی ایستگاههای هواشناسی جهان اسلام رجوع کنید به جدول ۱؛ نمودارهای ۱-۲۰).ج) پیامدهای ویژگیهای طبیعی . چهره طبیعی و آب و هوای متنوع جهان اسلام ، پیامدهای متناسب با ویژگیهای هر منطقه داشته است ، از جمله در زمینه پوشش گیاهی و جانوری ، جمعیت پذیری و اقتصاد. اساساً در مناطق پست و مرتفع و در نواحی مرطوب ، خشک و نیمه خشک جهان اسلام نابرابریهای زیست محیطی دیده می شود. در مناطق کوهستانی ، که بارش سالانه بیش از چهارصد میلیمتر است ، بارش موجب پیدایش جنگلهای تُنُک شده و در نواحی با بارش بیش از ششصد میلیمتر در سال ، جنگلهای انبوه پدید آمده است . در نواحی بیابانی ، پوشش گیاهی اندک و فقیر دیده می شود که در فصول خشکِ سال در برابر کم آبی مقاوم اند (مانند خار). در برخی بیابانها، مانند کویر لوت و ربع الخالی ، هیچ گونه پوشش گیاهی مشاهده نمی شود. در مناطق بینابینی نواحی جنگلی و بیابانی ، پوشش گیاهی استپی ، شامل انواع گیاهان علفی و مرتعی ، وجود دارد که متناسب با میزان بارش سالانه است (بومونت و همکاران ، ص۱۳۴- ۱۳۸؛ نیز رجوع کنید به عادل عبدالسلام ، ص ۲۰۸؛ زوکه ، ۲۰۰۷، ص ۱۴۷- ۱۶۸). در بسیاری از کشورهای جهان اسلام ، متناسب با وضع طبیعی و سطح فرهنگ و فنّاوری ، اساس زندگی و اقتصاد بیشتر مردم ، صرف نظر از درآمد ملی کشورها، متکی بر کشاورزی و دامپروری است که هریک وابسته به اکوسیستمهای طبیعی خاصی است . براساس ناهمواری ، اقلیم ، خاک و پوشش گیاهی ، که اجزای اصلی تشکیل دهنده اکوسیستمها هستند، چهار اکوسیستم کوهستانی ، استپی ، بیابانی و واحه ای در جهان اسلام دیده می شود که متناسب با توان محیطی هریک ، توزیع جمعیت و فعالیت اقتصادی شکل یافته است .کمبود آب آشامیدنی و کشاورزی مناطق خشک جهان اسلام حتی در سطح بین الملل از پیامدهای مهم وضع طبیعی به شمار می آید (درایسدل و بلیک ، ص ۲۴). این مسئله در مناطقی از جهان اسلام که بارش سالانه کمتر از ۲۵۰ میلیمتر دارند، محدودیت طبیعی درخور توجهی به شمار می آید و در اسکان و معیشت ساکنان مؤثر است.

ویژگیهای انسانی ـ اقتصادی. الف) جمعیت و خصوصیات آن . اندازه و توزیع جمعیت در جهان اسلام تا دوران نفوذ و گسترش فرهنگ اروپایی ، متناسب با شرایط و منابع داخلی و نظام اجتماعی ـ اقتصادی ، به صورت سنتی بوده است . روند افزایش جمعیت جهان اسلام ، به ویژه در سده اخیر، که به رشد پرشتاب ، کاهش مرگ و میر کودکان ، جوانی جمعیت در هرم سنی و به طور کلی افزایش جمعیت کشورهای اسلامی انجامید، از نتایج فراگیری شیوه های بهداشت عمومی ، پیشگیریهای بهداشتی ، مهار بیماریها و مقابله با بحرانها و بلایای طبیعی است (رجوع کنید به گنجی ، ۱۳۶۵ ش ، ص ۳۰). این روند به ویژه با استخراج منابع و ذخایر معدنی که به افزایش درآمد و به بهبود تغذیه انجامید، گسترش شهریگری و شهرنشینی و اجرای برنامه های اصلاحی اقتصادی ـ اجتماعی در کشورها را تقویت و به افزایش نرخ زاد و ولد و بالا رفتن امید به زندگی منتهی شد. رشد جمعیت در جهان اسلام در مواردی چنان زیاد شده است که موازنه طبیعت و انسان را برهم زده و به دلیل تناسب نداشتن با منابع اقتصادی ، فقر یا مهاجرت را به وجود آورده و در موارد دیگر موجب انفجار جمعیت شده است . در صد سال اخیر جمعیت مسلمانان حدود شش برابر شده است . در ۱۳۲۴/ ۱۹۰۶، جمعیت مسلمانان جهان حدود ۲۳۳ میلیون تن بوده است (هاینه، ص ۱۲۹). حدود پنجاه سال بعد این عدد به ۴۲۵ میلیون نفر رسید که ۱ر۱۸% جمعیت ۸ ر۲ میلیاردی جهان بوده است (رجوع کنید به >اطلس بزرگ جهان <، مقدمه فوشلر هاوک و ارنست کرملینگ ، ص .(VII توزیع این جمعیت در ۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۸ این گونه ذکر شده است : در کشورهای مستقلِ عمدتاً اسلامی ۲۳۰ میلیون ، در چین ۵۰ میلیون ، در هند ۴۰ میلیون ، در سرزمینهای تحت نفوذ فرانسه و بریتانیا ۵ر۵۷ میلیون ، در اتحاد جماهیر شوروی ۲۰ میلیون ، در سرزمینهای تحت سرپرستی سازمان ملل ۵ ر۷ میلیون و در سایر کشورها ۲۰ میلیون . در این سال ، ۹۰% مسلمانان سنّی و بقیه شیعه بوده اند (همان ، بخش ۳، نقشه ۳). گسترش اسلام در افریقای شرقی و مرکزی پیشرفتهای درخور توجهی داشته ، در حالی که در اتحاد جماهیر شوروی ، بر اثر نفوذ کمونیسم ، دارای

سیر نزولی بوده و به طور کلی جمعیت مسلمانان در خارج از برّ قدیم کمتر از یک میلیون نفر بوده است (همانجا؛ برای اطلاع بیشتر از روند جمعیت مسلمانان از ۱۳۱۸/ ۱۹۰۰ تا اواخر سده چهاردهم / بیستم رجوع کنید به مطری ، ص۲۵۷ـ۲۶۴). جدول شماره ۲، در برگیرنده آمار، جمعیت مسلمانان مشتمل بر جمعیت مسلمان کشورهای اسلامی و اقلیتهای مسلمان در پنج قاره جهان است .براساس جدول ۲، مسلمانان در پنج قاره جهان پراکنده اند. بیشترین جمعیت مسلمان در قاره آسیا با ۹۵۸ میلیون تن و سپس در قاره افریقا با ۳۶۰ میلیون تن به سر می برند؛ با این حال ، چون حدود ۴۰% از جمعیت قاره افریقا را مسلمانان تشکیل می دهند، این قاره را می توان قاره اسلامی نامید (رجوع کنید به جدول ۳).تعداد و میزان جمعیت مسلمانان در هر کشور، همواره یکی از معیارهای تعیین کشور اسلامی به شمار می رود و ظاهراً مرز جمعیتی حداقل ۵۰%، مناسب ترین شاخص کشور اسلامی است . این معیار در یک حکومت مردم سالار پذیرفتنی است (قس گنجی ، ۱۳۶۵ش ، ص ۳۳ که کشور اسلامی را شامل کشورهایی با جمعیت بیش از ۷۵% مسلمان دانسته است). برطبق معیار ۵۰%، دین اسلام مخصوص برّ قدیم بوده (رجوع کنید به همان ، ص۳۶) و از همان جا در جهان منتشر شده است . الگوی انتشار و گسترش اسلام از مراکز اصلی به مناطق مختلف کره زمین ، در عین حال که از نظریه پخش یا تراوش جغرافی دان سوئدی به نام هگرستراند پیروی می کند، از تحولات و انقلابهای بزرگ اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی سده چهاردهم / بیستم ، مانند مهاجرتهای کاری ، مهاجرتهای اجباری و پناهندگیها، نیز تأثیر پذیرفته است (رجوع کنید به شکوئی ، ص ۱۱۱، ۱۳۴). با این حال ، توزیع و تراکم جمعیت مسلمان جهان ، به عناصر و عوامل محیطی نیز وابسته است و آب وهوا حتی امروزه که صنعت ، شهرنشینی و استفاده از منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز در جهان اسلام ، از عوامل رشد پرشتاب جمعیت و پراکنش جغرافیایی محسوب می شوند ــ هنوز بر ظرفیت پذیری جمعیت مسلمانان در مناطق مختلف تأثیر اساسی دارد، به طوری که مقایسه وسعت آسیای جنوب غربی و کشورهای اسلامی نیمه شمالی افریقا با وسعت بنگلادش ، مالزی و اندونزی در آسیای جنوبی و جنوب شرقی ، حاکی از تفاوت چشمگیر توزیع و تراکم جمعیت در آنهاست . در صحرای بزرگ افریقا و بیابانهای شبه جزیره عربستان ، آسیای میانه و ایران با وسعتی در حدود پانزده میلیون کیلومتر مربع ، جمعیت اندکی با تراکم ناچیز در سکونتگاههای واحه ای شکل زندگی می کنند، در حالی که در بنگلادش ، مالزی و اندونزی در وسعتی در حدود ۲ر۴ میلیون کیلومتر مربع حدود ۳۳۰ میلیون مسلمان به سر می برند (رجوع کنید به جدول ۴).بررسی توزیع و پراکندگی مسلمانان در جهان حاکی از تفاوتهایی در قطبهای جمعیتی کشورهای اسلامی با قطبهای جمعیتی مسلمانان جهان است . به طور کلی ، جنوب شرقی آسیا، شبه قاره هند، غرب افریقا و خاورمیانه ، قطبهای جمعیتی مسلمانان جهان اند و آسیای جنوبی ، آسیای جنوب شرقی ، خاورمیانه و آسیای جنوب غربی ، افریقای غربی و افریقای شمالی قطبهای جمعیتی کشورهای اسلامی به شمار می آیند (رجوع کنید به گلی زواره ، ص ۶۸ـ۶۹). اندونزی با ۵ ر ۱۹۱ میلیون مسلمان در ۱۳۸۳ ش / ۲۰۰۴، پرجمعیت ترین کشور اسلامی بود و پس از آن ، پاکستان و بنگلادش ، به ترتیب با ۱۴۴ و۱۲۱ میلیون مسلمان ، قرار داشتند (رجوع کنید به جدول ۴؛ نمودار ۲۱). سلسله مراتب جمعیت مسلمان کشورهای اسلامی چندان منظم نیست ، زیرا پس از این سه کشور، تعداد مسلمانان در کشورهای ترکیه ، ایران ، نیجریه و مصر، که به ترتیب رتبه های بعد را دارند، از ۷۰ میلیون تا ۵۸ میلیون تن متغیر است (رجوع کنید به جدول ۴). در میان کشورهای اسلامی افریقا، نیجریه ، مصر و الجزایر به ترتیب با ۶۴، ۵۸ و ۳۲ میلیون مسلمان بالاترین رتبه هارا دارند (رجوع کنید به نمودار۲۱).درمیان کشورهای غیراسلامی ، هند با ۶ر۱۴۴ میلیون مسلمان (۴ر۱۳% از جمعیت هند) بالاتر از سایر کشورهاست (رجوع کنید به نمودار ۲۱). با این حال ، فیلیپین ، تایلند، میانمار و سریلانکا در آسیا، بوسنی و هرزگوین ، بلغارستان ، انگلیس ، صربستان و مونته نگرو و فرانسه در اروپا، اتیوپی ، بورکینافاسو، بنین ، غنا، ساحل عاج ، کامرون ، کنیا، مالاوی ، موزامبیک و اوگاندا در افریقا و ایالات متحده و کانادا در قاره امریکا بیشترین جمعیت مسلمان را نسبت به کشورهای غیراسلامی دارند. در میان کشورهای غیراسلامی ، اتیوپی با ۴۵%، بورکینافاسو با ۳۰%، ساحل عاج با ۲۷%، مقدونیه با ۲۵%، بنین با ۴ر۲۴%، کامرون با ۲۲%، لیبریا با ۲۱% و مالاوی با ۲۰% جمعیت مسلمان ، از جمله کشورهایی به شمار می روند که از اقلیت مسلمان بالایی برخوردارند (رجوع کنید به جدول ۵ و ۷).توزیع جمعیت مسلمان جهان برحسب مناطق جغرافیایی یا کشورهای اسلامی چندان متوازن نیست . گروه بندی توزیع جمعیت مسلمان برحسب مناطق جغرافیایی به این قرار است : مناطق پرجمعیت اسلامی با بیش از هفتاد میلیون تن ، شامل شبه قاره ، جنوب شرقی آسیا (اندونزی)، حوضه نیل ، غرب آسیا و غرب افریقا؛ مناطق با جمعیت متوسط چهل تا هفتاد میلیون تن شامل شمال

افریقا، هلال خصیب و شرق افریقا، و مناطق با جمعیت کمتر از سی میلیون تن شامل صحرای افریقا، جزیره العرب و بخشی از غرب افریقا (مطری ، ص ۳۱۸-۳۱۹). بنابر جدول شماره ۴ توزیع جمعیت کشورها و سرزمینهای اسلامی به این صورت طبقه بندی می شود: بیش از صد میلیون تن شامل سه کشور، پنجاه تا صد میلیون تن شامل چهار کشور، ۲۵ تا پنجاه میلیون تن شامل سه کشور، ده تا ۲۵ میلیون تن شامل نُه کشور و کشورهای کمتر از ده میلیون تن که شامل ۳۱ کشور است .براساس جدول شماره ۲، تعداد اقلیتهای مسلمان در پنج قاره حدود ۲۹۰ میلیون تن است که توزیع آن در جدولهای ۵ تا ۸ آمده است . به جز این تعداد، در قاره اروپا، در کشورهای ایسلند، فنلاند، ایتالیا، لیتوانی ، لهستان ، پرتغال ، اوکراین و بلاروس ، در قاره های آسیا و اقیانوسیه در کشورهای بوتان ، تایوان ، مغولستان ، هنگ کنگ و استرالیا، در قاره افریقا در کشورهای زیمبابوه ، بوتسوانا و لسوتو، و در قاره امریکا در کشورهای برزیل و ونزوئلا جمعیت اندکی از مسلمانها به سر می برند (رجوع کنید به >سالنامه جهانی فیشر ۲۰۰۷.(<برحسب تراکم جمعیت نیز کشورهاو سرزمینهای جهان اسلام به پنج گروه طبقه بندی می شوند: گروه با تراکم جمعیت بسیار بالا، شامل مالدیو، بحرین و بنگلادش ، با تراکم بیش از هشتصد تن در هر کیلومترمربع ؛ گروه با تراکم بالا یا بیش از یکصد تن در هر کیلومترمربع ، مشتمل بر سرزمینهای اسلامی شبه قاره هند؛ گروه با تراکم متوسط ، یا پنجاه تا صد تن در هر کیلومتر مربع ، مشتمل بر جنوب شرقی آسیا،شرق افریقا،منطقه هلال خصیب و حوضه رود نیل؛ گروه با تراکم کم ، یا ۲۵ تا پنجاه تن در هر کیلومتر مربع ، شامل غرب آسیا، شمال و غرب افریقا؛ و گروه با تراکم بسیار کم ، یا کمتر از ۲۴ تن در هر کیلومترمربع ، که خاص جزیره العرب است (مطری ، ص ۳۲۴-۳۲۵).ترکیب سنی جمعیت در جهان اسلام ، به دلیل تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه های اخیر، نامناسب است و در بیشتر کشورهای اسلامی نسبت جمعیت جوانان به حدود ۴۰% می رسد (احمدیان ، ص ۵۲؛ نیز رجوع کنید به جوان ، ص ۸۸ -۸۹؛ مطری ، ص ۳۵۱- ۳۵۵). در دهه های اخیر، به رغم کاهش نرخ رشد جمعیت در کشورهای اسلامی که به طور متوسط از ۳% به حدود ۲٫۵% رسیده است ، روند تحولات کمّی جمعیت ، در جهت افزایش مداوم جمعیت و جابه جایی مهم در سطوح ملی و منطقه ای بوده است . متوسط نرخ رشد حدود یک چهارم کشورهای اسلامی ، بیش از ۳% (کل جهان ۱٫۶%) است و ادامه افزایش شدید جمعیتی ، که ناشی از بالا بودن نرخ ولادت در این کشورهاست ، موجب می شود تا جمعیت این کشورها در کمتر از ۲۵ سال دو برابر شود (احمدیان ، ص ۵۳، ۵۹؛ گلی زواره ، ص ۷۰). بازتاب نرخ رشد جمعیت در جهان اسلام نه تنها در کشورها، که در شهرهای بزرگ کشورهای اسلامی نیز چشمگیر است >) رجوع کنید به اطلس بزرگ جهان <، همان مقدمه ، ص(VII ، به طوری که امروزه برخی از شهرهای جهان اسلام ، مانند جاکارتا، قاهره ، تهران و استانبول ، از نظر جمعیتی به کلان شهر اسلامی تبدیل شده اند. در فهرست شهرهای پرجمعیت جهان در ۱۳۸۴ ش / ۲۰۰۵، شهرهای داکا، جاکارتا، کراچی ، لاگوس و قاهره با جمعیت بیش از ده میلیون تن ، به ترتیب ، پرجمعیت ترین شهرهای اسلامی و جزو نوزده شهر اول جهان بودند. استانبول ، تهران ، لاهور، ریاض و بغداد در ردیف شهرهای با جمعیت پنج تا ده میلیون تن و چهارده شهر اسلامی در ردیف شهرهایی با جمعیت ۲٫۵ تا ۵ میلیون تن ذکر شده است (رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمز <، ص ۴۲).امید به زندگی ، که از سطوح توسعه اقتصادی ـ اجتماعی جوامع به شمار می آید، در جهان اسلام با تفاوتهایی همراه است .در کشورهای توسعه یافته امید به زندگی ۷۵ تا هشتاد سال برآورد می شود و در بعضی کشورهای جهان اسلام ، مانند یمن ، مالی ، موریتانی و سومالی ، به شصت سال نمی رسد. در دهه های اخیر، با تلاشهای صورت گرفته برای ارتقای سطح زندگی و بهداشت عمومی ، شاخص امید به زندگی در بیشتر کشورهای جهان اسلام تغییر کرده و از حدود ۵۵ سال در دهه ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۰ به حدود ۶۶ سال در پایان دهه ۱۳۶۹ ش / ۱۹۹۰ رسیده است ، ضمن آنکه در برخی کشورها، مانند کویت و امارات متحده عربی ، این رقم به بیش از ۷۵ سال نیز می رسد (احمدیان ، ص ۵۴). در عین حال ، می توان گفت متوسط عمر در برخی کشورهای افریقایی ، مانند چاد (۳۸ سال)، بسیار ناچیز است (گلی زواره ،همانجا؛ نیز رجوع کنید به گنجی ، ۱۳۶۵ش ، ص ۴۶-۴۷).ب) نژاد و زبان . به استناد یکی از آموزه های شناخته شده اسلام (رجوع کنید به حجرات : ۱۳) و تاریخ تحقق اسلام در عصر پیامبراکرم صلی الله علیه وآله ، میان افراد، به اعتبار نژاد و زبان ، تفاوتی نیست . مسلمانان جهان متشکل از نژادهای مختلفی هستند. در میان کشورهای اسلامی ، نوزده کشور با اکثریت سامی و عرب و اقلیتهایی از نژادهای دیگر وجود دارد. در یازده کشور، که همه آنها افریقایی هستند، غلبه با سیاهان است و منشأ نژادی شش کشور زرد است (گلی زواره ، ص ۷۳). در ترکیه ترکها، در ایران آریاییها، در پاکستان ، سفیدها و تیره هایی از سندیها و پنجابیها غلبه دارند و

در بعضی کشورها چند نژاد بزرگ مشاهده می شود (همانجا).مسلمانان با هر نژاد و زبان معمولاً با زبان عربی آشنایی دارند، چرا که قرآن به زبان عربی نازل شده و نماز به عربی خوانده می شود. ازاین رو، می توان گفت که زبان عربی تقریباً زبان مشترک مسلمانان است و موجبات ارتباط میان مسلمانان را فراهم می کند (رجوع کنید به گنجی ، ۱۳۶۵ش ، ص ۵۹). بااین حال ، به نظر می رسد ده خانواده زبانی ، از جمله عربی ، فارسی ، ترکی ، مالایایی ، بنگالی ، اردو، چینی و هندی ، بیشترین تکلم کنندگان مسلمان را دارد (همانجا) و در یازده کشور اسلامی زبانهای انگلیسی ، پرتغالی و فرانسه رایج است (گلی زواره ، همانجا). در >اطلس تاریخی جهان اسلام <، که در ۱۳۸۳ ش / ۲۰۰۴ منتشر گردیده ، تکلم کنندگان به زبان عربی ۱۵% مسلمانان ذکر شده و به طور کلی برای گروههای مسلمان بیش از چهارصد زبان زنده مطرح گردیده است . زبانهای بنگالی ، پنجابی ، جاوه ای ، اردو، ترکی ، سوندایی ، فارسی ، مالایایی ، آذری ، فولانی ، ازبکی ، پشتویی ، بربری ، سندی ، کردی و مَدوری (برگرفته از نام جزیره مَدورا در اندونزی) که هریک از ده تا صد میلیون تکلم کننده دارد، پس از زبان عربی مهم ترین زبانهای رایج مسلمانان ذکر شده اند. زبان انگلیسی ، که از زبانهای بازرگانی و علمی مسلمانان به شمار می رود، مورد استفاده مسلمانان مهاجر و بسیاری از مسلمانان کشورهای اسلامی است (رجوع کنید به روتون و نانجی ؛ ص ۲۰؛ نیز رجوع کنید به مطری ، ص ۳۸۶-۳۹۴).ج) ترکیب مذهبی . مسلمانان در سه آموزه توحید، رسالت پیامبر خاتم و قرآن به مثابه متن معیار دینی ، اشتراک دارند، ولی ترکیب مذهبی گوناگونی نیز در داخل این مجموعه وجود دارد که در حال حاضر به طور عمده در گروههای اهل تسنن و شیعه مطرح می شود. برآورد جمعیت هر یک از این گروهها، به دلیل در دسترس نبودن آمار دقیق ، اندکی مشکل است . سیدحسین نصر (ص ۸۶، ۹۹) جمعیت مسلمانان اهل تسنن را حدود ۸۷% و شیعیان را حدود ۱۳% ذکر کرده است . مؤسسه رند ، که از مؤسسات امریکایی در حوزه مطالعات سیاسی ، فرهنگی و امنیتی به شمار می آید، جمعیت اهل تسنن را حدود ۸۵% و شیعیان را حدود ۱۵% ذکر کرده است («استراتژی آمریکا در جهان اسلام بعد از ۱۱ سپتامبر»، ص ۱۳). بنابر برآورد از جمعیت اهل تسنن و شیعیان کشورهای جهان اسلام در ۱۳۸۳ ش /۲۰۰۴، چنین به نظر می رسد که اهل تسنن ۵ر۹۱% و شیعیان ۵ر۸% مسلمانان را تشکیل می دهند (رجوع کنید به جدول ۹؛ نیز رجوع کنید به مطری ، ص ۳۹۴-۴۰۴).گستره جغرافیایی شیعیان ، در مرکز جهان اسلام است ، یعنی در سرزمینهای میان مصر و هندوستان . اکثر شیعیان در کشورهایی مانند ایران ، عراق ، جمهوری آذربایجان ، بحرین و لبنان به سر می برند و در کشورهای دیگر، مانند هند، پاکستان ، افغانستان ، سوریه ، عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس ، اقلیتهای درخور توجهی از شیعیان زندگی می کنند (نصر، ص ۸۶). شاخه اصلی تشیع ، که بیشتر شیعیان را شامل می شود، شیعه دوازده امامی است که در ایران غلبه کامل دارد و اکثریتی را در عراق ، آذربایجان ، بحرین و لبنان به خود اختصاص داده است (همان ، ص ۹۴؛ محمدپور، ص ۲۵۶- ۲۵۷). اسماعیلیان ــ که عمدتاً در تونس ، مصر و دیگر کشورهای شمال افریقا و به تعداد اندک در سوریه شکل گرفتند ــ امروزه دو جریان اصلی ، به نامهای آقاخانی ها و بُهره ها، در هند و پاکستان دارند و جمعیت درخور توجهی از آنان در آسیای مرکزی ، ایران ، سوریه ، شرق افریقا، و به صورت مهاجر در کانادا، زندگی می کنند. زیدیه نیز عمدتاً در یمن ساکن اند (رجوع کنید به نصر، ص ۹۶-۹۹؛ برای اطلاع از توزیع جغرافیایی شیعیان در پانزده کشور جهان اسلام رجوع کنید به جدول ۱۰؛ نیز رجوع کنید به >فرهنگ جغرافیایی وسترمان <، ج ۴، ص ۲۲۳- ۲۲۵؛ ملکی و زندیه ، ص ۵۶۱ - ۵۶۹).روند رشد جمعیت کشورهای جهان اسلام نشان می دهد که نسبت شیعیان جهان به سبب بالا بودن جمعیت اهل تسنن و نرخ رشد آنان ، علی رغم افزایش مطلق ، همواره با کاهش روبه روست .اهل تسنن متشکل از گروههای حنفی ، مالکی ، شافعی و حنبلی اند. حنفیها که در ابتدا در ماوراءالنهر و شبه قاره هند انتشار بیشتری داشتند، امروزه بیشترین پیروان اهل تسنن به شمار می آیند و غالباً در قفقاز، آسیای مرکزی ، شبه قاره و بعضی کشورهای اروپایی به سر می برند. سنّیهای افغانستان و پاکستان نیز بیشتر حنفی اند (رجوع کنید به نصر، ص ۸۹ -۹۰). مالکیها، که مرکز آنها شمال افریقاست ، امروزه در تمام افریقای شمالی و غربی ، به جز مصر، زندگی می کنند. این توزیع جغرافیایی موجب همگونی فقهی و وحدت فرهنگی مالکیها، به ویژه در کشور مغرب ، شده است (همان ، ص ۹۰). گستره جغرافیایی شافعیها در مصر، حجاز (در عربستان سعودی)، فلسطین ، سوریه ، و بخشی از جنوب شرقی آسیا شامل اندونزی ، مالزی و تایلند است و حنبلیها که در گذشته در عراق ، ایران و برخی سرزمینهای دیگر پراکنده بودند، امروزه بیشتر در سوریه و عربستان سعودی ساکن اند (همان ، ص ۹۱-۹۲).مقایسه نسبت مسلمانان با پیروان ادیان دیگر، نشان می دهد که اسلام در میان ادیان الاهی پس از مسیحیت از

بیشترین پیروان برخوردار است (رجوع کنید به جغرافیکا، ص ۷۲؛ نیز رجوع کنید به نمودار ۲۲).د) توزیع جمعیت شهری ـ روستایی . مقایسه جمعیت شهرنشین و روستانشین کشورهای اسلامی نشان دهنده سطوح متفاوت شهرنشینی است .این تفاوت به علت ساختار ناسالم اقتصادی و درجه توسعه ، در برخی کشورها شدت بیشتری دارد. جمعیت شهرنشین برخی از کشورهای اسلامی ، به ویژه در افریقا مانند سودان ، نیجر و بنگلادش ، از یک سوم کل جمعیت فراتر نمی رود، اما برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس ، مانند کویت ، قطر و بحرین ، بیش از ۹۰% جمعیت شهرنشین دارند (احمدیان ، ص ۷۴). در کشورهای آسیای مرکزی ، به دلیل عدم تمرکزگرایی ، جمعیت شهرنشین زیاد نیست و در کشورهایی مانند ایران ، سوریه ، الجزایر و تونس ، این نسبت به صورت متوازن است (همانجا).تفاوت شهرگرایی و شهرنشینی میان کشورهای اسلامی از دیگر موضوعات درخور توجه است . در حالی که کشورهای اسلامی با سابقه شهرنشینی زیاد، مانند مصر، ترکیه ، سوریه و ایران ، از تکامل تدریجی تغییر زندگی کوچگری ، روستانشینی و شهرنشینی برخوردارند، در بسیاری از کشورهای اسلامی ، به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس ، روند شهرنشینی به سبب جابه جایی جمعیت با منشأ غیربومی ، با شهرگرایی همراه نبوده است (همان ، ص ۷۶). ویژگیهای مشترک شهرهای اسلامی ، که نقش تعیین کننده ای در جذب یا دفع جمعیت شهرهای اسلامی دارد، تقریباً در کشورهای اسلامی به صورت متوازن دیده می شود، این ویژگیها عبارت اند از: وجود سلسله مراتبی از ساختارها ـ کارکردها در مرکز شهر مانند مسجد، مدرسه و حوزه علمیه و بازار که هسته های اصلی شهرهای اسلامی است ؛ وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه وری در درون بازار به طوری که در سراسر بازارهای شهرهای اسلامی این سلسله مراتب رعایت شده است ؛ وجود محلات گوناگون با کارکرد مسکونی که در عین جدایی ، هم پیوندی توانمند قومی ، قبیله ای و مذهبی دارد؛ استقرار تأسیسات و استحکامات نظامی ـ دفاعی (مانند برج و بارو و در شهرهای مهم ، قلعه یا کهندژ)؛ و داشتن گورستانها و بازارهای دوره ای در بیرون از شهر، به همراه مشخصه هایی چون وقف و ارتباط با روستاها در چارچوب سرمایه داری بهره بری (رجوع کنید به الرس ، ۱۹۹۲، ص ۸۹). در کشورهای اسلامی ، به سبب رشد جمعیت و امکانات ، فعالیتهای تجاری و سرمایه گذاری و شکل گیری مراکز اداری و کانونهای اجتماعی ـ فرهنگی شهرهای مسلط پدید آمده که عموماً زاییده شرایط نامساعد اقتصادی ، به ویژه وابستگی به صدور مواد اولیه و معدنی ، است . روند افزایش تعداد شهرهای مسلط که فاصله بسیاری با دومین شهر کشور دارند، در دهه های اخیر شدت بیشتری داشته است (رجوع کنید به احمدیان ، ص ۷۶ـ ۷۸).در طبقه بندی دیگری از نسبت شهرنشینی و روستانشینی ، جهان اسلام به چهار گروه تقسیم شده است : در گروه اول با نسبت شهرنشینی بیش از ۷۲%، کشورهای کویت ، اردن ، لبنان ،قطر، امارات متحده عربی ، لیبی ، بحرین و عربستان قرار دارند. گروه دوم با نسبت شهرنشینی ۴۲ تا ۷۲% شامل مناطقی از شمال افریقا، جنوب شرقی آسیا و غرب آسیا، از جمله ترکیه و ایران ، است . گروه سوم با نسبت شهرنشینی ۳۰ تا ۴۲%، در گستره جغرافیایی شرق افریقا و بخشی از غرب افریقا قرار دارد. گروه چهارم با نسبت شهرنشینی کمتر از ۳۰%، شامل مناطق صحرای افریقا، شبه قاره و بخشی دیگر از غرب افریقاست (مطری ، ص ۴۰۴ـ۴۰۵).ه) اقتصاد و توسعه انسانی . مسلمانان از آغاز اسلام بازرگانی را همپای دیگر فعالیتهای اقتصادی ، مانند کشاورزی ، توسعه دادند و این اهتمام به امور اقتصادی ، چه بسا ناشی از دلالتها و تأکیدهای قرآن ، حدیث و سیره پیامبر و اولیای دین بود. بااین حال ، جهان اسلام کنونی ، به رغم داشتن زمینه های مطلوب اقتصادی ، در مقایسه با وضع اقتصادی کشورهای توسعه یافته جهان ، از سطح شایسته ای برخوردار نیست . بر این اساس ، ویژگیهای مشترک اقتصادی در جهان اسلام را می توان شامل این موارد دانست : پایین بودن سطح رشد اقتصادی ؛ وابستگی شدید بسیاری از کشورها به بازارهای سرمایه ای و صادرات مواد خام ؛ ساختار اقتصادی نامناسب ، که عمدتاً متأثر از اقتصاد غرب و دوره استعمار شکل گرفته است ؛ شیوه های نامناسب عرضه تولیدات اقتصادی و عدم همکاری یا توافق جمعی در مسائل کلان اقتصادی ، به رغم شکل گیری تشکلهای منطقه ای و نهادهای اقتصادی در سطح جهان اسلام (رجوع کنید به ماکساکوفسکی ، ص ۳۰۹؛ احمدیان ، ص ۱۱۶ـ۱۲۴). زمینه ها و خصوصیات اقتصادی در بخشهای مختلف جهان اسلام مشترک نیست ؛ در جنوب و جنوب شرقی آسیا، موقعیت ارتباطی و راههای تجاری دریایی شرایط نسبتاً مناسبی برای مبادلات میان ملتها پدید آورده است ، اما محدودیت زمین برای فعالیتهای اقتصاد کشاورزی دیده می شود (ماکساکوفسکی ، ص ۳۱۱). در این بخش از جهان اسلام ، کشاورزی مهم ترین بخش اقتصادی است و برنج ، ارزن ، حبوبات ، کائوچو و کنف در آن به عمل می آید که به همراه ثروت عظیم جنگل و منابع زیرزمینی ، مانند قلع که ۵۰% از قلع جهان است ، نقش اساسی در اقتصاد و صادرات

دارد؛ محدودیت شبکه ارتباطی درون منطقه ای ، مانند نداشتن راه آهن و راه ارتباطی خشکی مناسب در جنوب و جنوب شرقی آسیا از موانع توسعه اقتصادی است (رجوع کنید به همان ،ص ۳۱۳ـ۳۱۴). در جنوب غربی آسیا و خاورمیانه ، ثروتهای زیرزمینی نفت و گاز و در برخی نقاط صنایع دستی (مانند قالی بافی در ایران که شهرت جهانی دارد) در شکل گیری اقتصاد کشورهای اسلامی و توزیع جمعیت فعال این کشورها در بخشهای اقتصادی اثر فراوانی برجای گذاشته است . با این حال ، کمبود آب ، که در کم بودنِ محصولات کشاورزی مؤثر است ، موجب تولید محصولات نیمه گرمسیری شده است . در این بخش از جهان اسلام ، دامپروری در مناطق کوهستانی چنان رونق دارد که جمعیت فعال درخور توجهی را به خود اختصاص داده است . در مناطقی از ترکیه ، ایران و افغانستان فعالیت دامپروری اساس اقتصاد است و درمجموع ، به جز این سه کشور، نیجریه ، پاکستان ، بنگلادش و سودان از بیشترین رقمهای دامپروری در میان کشورهای اسلامی برخوردارند (رجوع کنید به محمودطه ابوالعلا، ص ۲۴۱؛ ماکساکوفسکی ، ص ۳۲۵ـ ۳۳۰).کشورهای این بخش از جهان اسلام ، به ویژه ایران ، ترکیه ، عراق و لبنان ، سابقه بیشتری در فعالیت صنعتی دارند و در کشورهای تولیدکننده نفت ، تقریباً تمام جمعیت فعال اقتصادی به صنعت نفت و صنایع جانبی وابسته اند (ماکساکوفسکی ، ص ۳۳۱). در کشورهای اسلامی افریقا، که بستر ارتباط اقتصادی با اروپا مهیاست ، محدودیتهای طبیعی ، به ویژه محدودیت آب و خاک ، موجب تمرکز کمتر این کشورها بر کشاورزی شده است . در عین حال ، حبوبات ، برنج ، گندم و جو از محصولات عمده آنجاست و ذخایر نفت و گاز، فسفر، بوکسیت و سنگ آهن این بخش که مقیاس جهانی دارد، در بهبود وضع اقتصادی مؤثر است (رجوع کنید به همان ، ص ۳۳۹ـ۳۴۲؛ زوکه ، ۱۴۰۴، ص ۱۰۰ـ۱۱۱؛ عقیلی ، ص ۲۸۵ـ۲۸۹؛ برای اطلاع بیشتر از میزان و توزیع جغرافیایی منابع معدنی جهان اسلام رجوع کنید به محمد عبدالمجید عامر، ص ۴۴۳ـ ۵۰۵).چشم انداز عمومی اقتصاد کشورهای اسلامی بیانگر وابستگی عمیق مرکز جغرافیایی جهان اسلام به انرژی نفت و گاز است . بنا بر آمار سال ۱۳۷۳ ش / ۱۹۹۴، حدود ۷۳% نفت خام جهان و ۳۹% گاز طبیعی جهان در کشورهای اسلامی است (رجوع کنید به شلبی ، ص ۷۶۱ـ ۷۶۲). کانونهای اصلی این منابع ، به ترتیب ، خلیج فارس و حاشیه آن ، افریقای شمالی ، شام و آسیای جنوب شرقی (اندونزی و مالزی) است (محمد عبدالمجید عامر، ص ۴۰۹؛ برای اطلاع بیشتر از توزیع این منابع در جهان اسلام رجوع کنید به همان ، ص ۴۲۹ـ۴۳۳؛ سماک ، ص ۵۳۳ـ ۵۳۴).اطلاعات دقیق توزیع جمعیت فعال در بخشهای اقتصادی در کشورهای اسلامی ، بیانگر اشتغال اکثریت جمعیت فعال در بخش اول اقتصادی (کشاورزی) است (رجوع کنید به احمدیان ، ص ۸۶)، در حالی که نسبت بخشهای دوم (صنعت) و سوم (خدمات) در تولید ناخالص ملی کشورها بیشتر است . مثلاً، در ۱۳۸۳ ش / ۲۰۰۴، جمعیت شاغل در بخشهای اقتصادی کشور امارات ، به ترتیب ، ۸% در کشاورزی ، ۳۳% در صنعت و ۵۹% در خدمات توزیع شده است ؛ با وجود این ، سهم هریک در تولید ناخالص ملی به ترتیب ۳%، ۵۵% و ۴۲% است که نشان دهنده بازدهی اندک بخشهای کشاورزی و خدمات ، و بازدهی بالای بخش صنعت است (رجوع کنید به <سالنامه جهانی فیشر ۲۰۰۷ >، ص ۵۰۱؛ جدول ۱۱). بر اساس آمار سال ۱۳۵۱ ش / ۱۹۷۲، در ۲۱ کشور اسلامی آسیایی ، ۴۶% جمعیتِ فعال ، به کشاورزی اشتغال داشتند در حالی که کل زمینهای قابل کشت حدود ده میلیون کیلومترمربع (۱۶% وسعت کشورهای مذکور) بوده است . این امر در کشورهای مسلمان افریقایی وضع بهتری نداشت ، به طوری که ۶۸% جمعیت فعال این کشورها در چهارده میلیون کیلومترمربع (حدود ۵% وسعت کشورهای مورد بحث) به کشاورزی می پرداختند (رجوع کنید به طه عبدالعلیم رضوان ، ص۴۷؛ نیز رجوع کنید به محمودطه ابوالعلا، ص ۲۱۳). سهم بخشهای اقتصادی در تولید ناخالص ملی اگرچه معیار مناسبی برای ارزیابی توسعه اقتصادی به شمار نمی رود، بیانگر وضع عمومی اقتصاد و میزان بازدهی بخشهای اقتصادی است . کشورهای جیبوتی ، فلسطین ، مالدیو و لبنان از جمله کشورهای جهان اسلام هستند که اکثریت مطلق تولید ناخالص ملی آنها از بخش خدمات حاصل می شود، در حالی که در افغانستان ، چاد، زنگبار، سیرالئون و گینه بیسائو سهم بخش کشاورزی و در کشورهای آذربایجان ، الجزایر، امارات متحده عربی ، عربستان ، عمان ، کویت ، مالزی و نیجریه ، متأثر از صنعت نفت ، سهم بخش دوم اقتصادی بیشتر است (رجوع کنید به احمدیان ، ص ۸۶ ـ ۸۸؛ نیز رجوع کنید به گیتاشناسی نوین کشورها، ۱۳۸۲ ش).تجارت خارجی در جهان اسلام تا حد زیادی تحت تأثیر شرایط تاریخی و ساختار اقتصادی کشورهای جهان اسلام است (رجوع کنید به تجارت *، بخش ۳)، به طوری که بخش عمده صادرات را مواد خام ، اعم از کشاورزی و معدنی ، به خصوص مواد سوختی تشکیل می دهد. در کشورهایی مانند الجزایر، ایران ، عربستان ، لیبی ، عراق و کویت بیش از

۹۰% صادرات را مواد سوختنی و در گینه و نیجر بیش از ۹۰% ارزش صادرات را صادرات مواد معدنی ، مانند بوکسیت ، تشکیل می دهد (احمدیان ، ص ۱۰۰). این امر، به رغم رونق نسبی اقتصاد در زمان بالا بودن قیمت مواد صادراتی ، موجب شکنندگی و آسیب پذیری اقتصاد ملل اسلامی است . در برابر صادرات ، تولیدات کارخانه ای و محصولات شیمیایی بیش از ۵۰% واردات کشورهای اسلامی است . این میزان در کشورهای فقیر اسلامی ، مانند مالی ، سودان ، سومالی و یمن ، تا حدود ۶۰% و در برخی کشورهای نفت خیز به سبب قدرت خرید، تا حدود ۷۰% افزایش می یابد. مهم تر آنکه ، در مجموع ، کشورهای اسلامی در عین حال که صادر کننده محصولات کشاورزی اند، واردکننده این محصولات نیز هستند و حدود ۲۰% واردات جهان اسلام را موادغذایی تشکیل می دهد (همان ، ص ۱۰۰-۱۰۱). بررسی تراز بازرگانی کشورهای اسلامی در دهه های اخیر نشان می دهد که ، برخلاف کشورهای نفت خیز که تراز مثبت بازرگانی دارند، تعدادی از کشورها مانند پاکستان ، بنگلادش ، مصر، مراکش و اردن دارای تراز منفی بوده اند. بنابر داده های آماری ، از میزان صادرات و واردات ۲۲ کشور اسلامی در سالهای ۱۳۵۹ ش / ۱۹۸۰ و ۱۳۷۵ ش / ۱۹۹۷، سیزده کشور اسلامی در ۱۳۵۹ ش /۱۹۸۰ و چهارده کشور در ۱۳۷۵ ش / ۱۹۹۷ تراز منفی داشته اند (رجوع کنید به همان ، ص ۱۰۲- ۱۰۴). کشورهای دارای تراز مثبت بازرگانی در جهان اسلام را غالباً کشورهایی تشکیل می دهند که دارای ذخایر نفت و گاز هستند. این کشورها را به طور کلی می توان کشورهای اسلامی اعضای اوپک ، به ویژه عربستان سعودی ، ایران ، امارات و قطر، دانست (رجوع کنید به آذین فر، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ برای اطلاع از میزان ذخایر نفت و گاز در جهان اسلام و نیز میزان تولید و صادرات رجوع کنید به همان ، ص ۱۱۶-۱۲۳؛ نیز رجوع کنید به >اطلس جامع جهان تایمز <، ص ۴۵-۴۷؛ نفت *؛ گاز*).کشورهای اسلامی با هر ساختار اقتصادی ، از لحاظ درآمد سرانه ، که یکی از شاخصهای مهم توسعه انسانی به شمار می آید، به گروههای مختلفی قابل تقسیم بندی هستند. این طبقه بندی در عین حال که بیانگر توانایی اقتصادی کشورهاست ، لزوماً بازتاب توسعه اقتصادی به شمار نمی آید. در سازمانهای اقتصادی جهانی ، توانایی اقتصادی کشورها بر حسب درآمد سرانه تا ۱۰۲۵ دلار، اساس پرداختن یا نپرداختن وام به یک کشور است . در طبقه بندی عمومی کشورهای اسلامی بر اساس درآمد سرانه در سال ۱۳۸۵ ش / ۲۰۰۶، چهار گروه قرار دارند: کشورهای با درآمد سرانه پایین معادل ۸۷۵ دلار یا کمتر، شامل ۲۲ کشور؛ گروه درآمدی متوسط پایین معادل ۸۷۶ تا ۴۶۵ ، ۳ دلار، شامل ۱۵ کشور؛ گروه درآمدی متوسط بالا معادل ۴۶۶ ، ۳ تا ۷۲۵ ، ۱۰ دلار، شامل پنج کشور؛ و گروه درآمد بالا معادل بیشتر از ۷۲۶ ، ۱۰ دلار، شامل شش کشور (رجوع کنید به بانک جهانی، ۲۰۰۷).امنیت غذایی و تغذیه یکی از جنبه های مؤثر تعیین شاخص توسعه اقتصادی کشورهاست . مقایسه امنیت غذایی و توسعه انسانی کشورهای اسلامی بیانگر رابطه مثبت و معنادار میان این دو، به ویژه در سطوح کشورهای متوسط و فقیر، است . بنابر آمار ۱۳۷۵ش /۱۹۹۷، عموم کشورهای اسلامی ، به جز مالزی ، به میزان کم یا زیاد از کمکهای غذایی دولتها با همکاری سازمانهای غیردولتی یا کمکهای خارجی برای بهبود تغذیه بهره برده اند. دراین میان ، ایران از جمله کشورهایی است که کمترین کمکها و بنگلادش از جمله کشورهایی است که بیشترین کمکها را دریافت کرده است (بختیاری و حقی ، ص ۲۱-۲۷).در شاخصهای توسعه انسانی ، علاوه بر شاخصهای تراکم جمعیت ، نسبت شهرنشینی و گروههای سنی جمعیت ، بهداشت عمومی ، نسبت پزشک و سطح سواد را می توان در نظر گرفت . برآورد مجموع شاخصهای توسعه انسانی ، رتبه هر یک از کشورها را در سطح جهانی نشان می دهد. در مجموع ، در میان کشورهای اسلامی رتبه های جهانی کمتر از پنجاه غالباً مختص کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس است که از درآمد سرانه بالایی برخوردارند و رتبه های بالای صد، خاص کشورهای پرجمعیت یا کشورهای بدون ذخایر زیرزمینی درخور توجه است . بررسی دقیق تر این رتبه ها با هر یک از شاخصها، مانند سواد یا بهداشت ، نشان دهنده رابطه مستقیم و معنادار در کشورهای اسلامی است (برای اطلاع کامل از شاخصهای توسعه انسانی کشورهای اسلامی در ۱۳۸۳ ش /۲۰۰۴ رجوع کنید به جدول ۱۱؛ نیز رجوع کنید به گلی زواره ، ص ۷۱-۷۳؛ گنجی ، ۱۳۶۵ش ، ص ۴۸-۵۴؛ احمدیان ، ص ۵۴ -۵۷).به طور کلی ، اقتصاد کشورهای اسلامی با شاخصهای توسعه انسانی ، همانند آنچه در کشورهای توسعه یافته دیده می شود، رابطه تنگاتنگی دارند؛ از این رو، می توان گفت که برخی از دلایل پایین بودن شاخصهای توسعه انسانی کشورهای اسلامی ریشه در مسائل و مشکلات اقتصادی دارد که اهم آنها، که جزو موانع توسعه اقتصادی جهان اسلام نیز به شمار می روند، عبارت اند از: وابستگی اقتصاد کشورهای اسلامی به بخش کشاورزی و سنّتی بودن شیوه های تولید؛ اختلاف کشورهای اسلامی در زمینه تجارت و همکاریهای اقتصادی تا حدی که برخی از محققان اظهار می کنند

تجارت میان کشورهای جهان اسلام به سیاست وابسته است تا اقتصاد؛ افزایش شدید جمعیت شهری و هزینه های سنگین ایجاد زیر بناهای اساسی برای شهرنشینان ؛ وابستگی بیش از حد کشورهای اسلامی به یک یا چند محصول معین که در برابر نوسانات و بحرانهای بین الملل آسیب پذیر است ؛ کمبود سرمایه داخلی و سرمایه گذاری خارجی ؛ و پایین بودن سواد و تخصص در نیروی کار (احمدیان ، ص ۱۰۵-۱۰۹.(

منابع :حسن آذین فر، «نگاهی کوتاه به ذخایر نفتی و گاز جهان و میزان تولید و مصرف آن ها در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲»، ره آورد، ش ۷۲ (۱۳۸۴ ش)؛ ابن حوقل ؛ محمدعلی احمدیان ، ویژگیهای جغرافیایی کشورهای اسلامی، مشهد ۱۳۸۲ ش ؛ «استراتژی آمریکا در جهان اسلام بعد از ۱۱ سپتامبر»، گزارش راهبردی ، سال ۱، ش ۱۲ (مهر ۱۳۸۵)؛ اکارت الرس ، ایران : مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی ، ج ۱، ترجمه محمدتقی رهنمایی ، تهران ۱۳۶۵ ش ؛ صادق بختیاری و زهرا حقی ، «بررسی امنیت غذایی و توسعه انسانی در کشورهای اسلامی »، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۴۳ و ۴۴(پاییز و زمستان ۱۳۸۲)؛ کیت بوچر، آب و هوای کره زمین : منطقه برون حارّه ، ج ۲، ترجمه بهلول علیجانی ، تهران ۱۳۷۳ ش ؛ پیتر بومونت ، جرالد بلیک ، و مالکوم واگ استاف ، خاورمیانه، ترجمه محسن مدیرشانه چی ، محمود رمضان زاده ، و علی آخشینی ، مشهد ۱۳۶۹ ش ؛ جعفر جوان ، «کشورهای اسلامی وخصوصیات کلی جمعیت آنها»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۶، ش ۱ (بهار ۱۳۷۲)؛ سهیلا جوانمرد و مهدی آسیایی ، فرهنگ اصطلاحات هواشناسی و اقلیم شناسی ، مشهد ۱۳۸۳ ش ؛ ابوالقاسم بن احمد جیهانی ، اشکال العالم ، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب ، چاپ فیروز منصوری ، تهران ۱۳۶۸ ش ؛ حدودالعالم ؛ دانشنامه ایران و اسلام، زیرنظر احسان یارشاطر، تهران ۱۳۵۴-۱۳۷۰ ش ؛ آلاسدیر درایسدل و جرالد هنری بلیک ، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا ، ترجمه درّه میرحیدر، تهران ۱۳۶۹ ش ؛ پرویز دلیرپور، «شیعه در عربستان سعودی »، فصلنامه مطالعات خاورمیانه ، سال ۱۲ و ۱۳، ش ۴ و ۱ (زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵)؛ محمد خمیس زوکه ، جغرافیه العالم الاسلامی ، اسکندریه ۲۰۰۷؛ همو،«الزراعه فی افریقیا الاسلامیه »، در بحوث المؤتمر الجغرافی الاسلامی الاول، ج ۲، ریاض : جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه ، ۱۹۸۴/۱۴۰۴؛ محمد ازهر سعید سماک ، «قیاس الاهمیه النسبیه لمصادر الطاقه الحدیثه فی العالم الاسلامی و آفاقها المستقبلیه »، در همان ؛ حسین شکوئی ، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، مشهد ۱۳۶۴ ش ؛ اسماعیل عبدالرحیم شلبی ، «مقوّمات التکامل الاقتصادی بین دول العالم الاسلامی »، در الموسوعه الجغرافیه للعالم الاسلامی، ج ۱۵، ریاض : جامعه الامام محمدبن سعود الاسلامیه ، ۱۴۱۹/ ۱۹۹۹؛ طه عبدالعلیم رضوان ، «تنمیه الریف فی العالم الاسلامی »، در بحوث المؤتمر الجغرافی الاسلامی الاول ، همان ؛ عادل عبدالسلام عبدالسلام ، «الملامح العامه للجغرافیا الطبیعیه للعالم الاسلامی »، در الموسوعه الجغرافیه للعالم الاسلامی ، همان ؛ نعمان دهش عقیلی ، «التکامل الغذائی فی العالم الاسلامی »، در بحوث المؤتمر الجغرافی الاسلامی الاول ، همان ؛ بهلول علیجانی و محمدرضا کاویانی ، مبانی آب و هواشناسی ، تهران ۱۳۷۱ ش ؛ پریدخت فشارکی ، مبانی اقلیم شناسی ، تهران ۱۳۷۴ ش ؛ محمد قزوینی ، بیست مقاله قزوینی ، چاپ ابراهیم پورداود و عباس اقبال : «مقدمه قدیم شاهنامه »، تهران ۱۳۶۳ ش ؛ ابراهیم قِعَید، «الاقلیات المسلمه فی امریکا الشمالیه و امریکا الجنوبیه »، در الموسوعه الجغرافیه للعالم الاسلامی ، ج ۱۴، قسم ۲، ریاض : جامعه الامام محمدبن سعود الاسلامیه ، ۱۴۲۰/ ۱۹۹۹؛ مسعود کوهستانی نژاد، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم ، تهران ۱۳۸۱- ۱۳۸۵ ش ؛ عبدالحی بن ضحاک گردیزی ، تاریخ گردیزی ، چاپ عبدالحی حبیبی ، تهران ۱۳۶۳ ش ؛ غلامرضا گلی زواره ، سرزمین اسلام : شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین جهان ، قم ۱۳۷۷ ش ؛ محمدحسن گنجی ، «برداشتی جغرافیائی از جمعیت مسلمان جهان و پاره ای مشخصات دمگرافیک آن »، در مجموعه مقالات سمینار جغرافی ، ش ۱، به کوشش محمدحسین پاپلی یزدی ، [مشهد]: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ، ۱۳۶۵ ش ؛ همو، ۳۲ مقاله جغرافیائی ، مقاله ۱۴: «تقسیمات اقلیمی ایران »، تهران ۱۳۵۳ ش ؛ گیتاشناسی نوین کشورها ، گردآوری و ترجمه عباس جعفری ، تهران : گیتاشناسی ، ۱۳۸۲ ش ؛ ولادیمیر پاولوویچ ماکساکوفسکی ، جغرافیای اقتصادی جهان ، ترجمه صادق پویازند و رضا رضایی ، [تهران] ۱۳۶۳ ش ؛ آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ، یا، رنسانس اسلامی ، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران ۱۳۶۲ ش ؛ علی محمدپور، «ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق »، در مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران : جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱، دیماه ۱۳۸۴، [تهران]: انجمن ژئوپلیتیک ایران ، ۱۳۸۵ ش ؛ محمد عبدالمجید عامر، «الثروات المعدنیه فی العالم الاسلامی

»، در بحوث المؤتمر الجغرافی الاسلامی الاول، همان ؛ محمود طه ابوالعلا، «التکامل الاقتصادی فی مجال انتاج الغذاء فی العالم الاسلامی »، در همان ؛ مسعودی ، مروج (بیروت)؛ سیدخالد مطری ، «سکان العالم الاسلامی »، در الموسوعه الجغرافیه للعالم الاسلامی ، ج ۱۵، همان ؛ مقدسی ؛ عباس ملکی و مینا زندیه ، «امنیت ملی و امنیت دستجمعی »، در مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس ، تهران ـ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷، [تدوین] مرکز مطالعات خلیج فارس ، تهران : وزارت امورخارجه ، ۱۳۶۹ ش ؛ درّه میرحیدر، مبانی جغرافیای سیاسی ، تهران ۱۳۷۳ ش ؛ حسین نصر، قلب اسلام : ارزش های جاودان برای بشریت ، ترجمه مصطفی شهر آیینی ، تهران ۱۳۸۳ ش ؛ هوا و اقلیم شناسی ، تهیه و تدوین امین علیزاده و دیگران ، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۵ ش ؛ Harm Jan De Blij, Human geography: culture, society, and space , New York ۱۹۹۹ Deutsche Stiftung Weltbevolkerung ;۲۰۰۵ , Hannover , vol. ۲۰۰۵ Colloquium geographicum ", in "The city of the Islamic Middle East" ,Eckart Ehlers ;۲۲ , Bonn ۱۹۹۲ EI , ۱ Der Fischer Weltalmanach ۲۰۰۷ ; Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuch , Germany: Konemann, ۲۰۰۶ Geographica: the complete illustrated atlas of the world ; Verlag, ۲۰۰۴ Grosser Weltatlas , Munich: JRO Verlag, ;۱۹۵۸ "Das Verbreitungsgebiet der ,Peter Heine islamischen Religion: Zahlen Und Informationen zur Situation in der Gegenwart", in Der Islam in der Gegenwart , ed Werner Ende and udo Steinbach, Munich: Beck, ۱۹۹۶ ; An Historical atlas of Islam , ed. William C. Brice, Leiden: Brill, ۱۹۸۱ ; Malise Ruthven and Azim Nanji, Historical atlas of the Islamic world , Oxford ۲۰۰۴ ; Heinrich Schiffers, "Allgemeines", in Die Sahara und ihre Randgebiete , ed. Heinrich Schiffers, vol. ۱ ; Spiegel , no. ۱۹۷۱, Munich: Weltforum Verlag, ۱ ; The Times ۱۹۹۹, Dortmund ۲); Manfred Straser, Klimadiagramm-Atlas der Erde, vol. ۱۹۹۸(comprehensive atlas of the world , London: Times Books, ۲۰۰۵ ; Westermann Lexikon der Geographie , ed. Wolf Tietze, vol. ۴ ; The World ۱۹۷۰, Braunschweig: Georg Westermann Verlag, Bank. [Online] . Available: http://www.worldbank.org.[۹ Jun. ۲۰۰۷.]

نظر شما